

## چاپ نوشت (۱۵)

### رشد نظام و عوام در سایه صنعت چاپ نگاهی به تأثیرات صنعت چاپ بر توسعه ارتش و جامعه در ابتدای دوره قاجار

مجید جلیسه

| ۶۷ - ۱۰۴ |

۶۷

آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

**چکیده:** سرآغاز تجدد در ایران اگرچه با سرآغاز ورود صنعت چاپ همراه نبوده است؛ اما این صنعت کمک نمود تا در تبریز مدرنیزاسیون کردن ارتش، سوادآموزی و بهداشت عمومی با سرعتی بیشتر دنبال شود. اما در تهران و اصفهان دوره فتحعلی شاه داستان به شکل دیگری رقم می خورد و از ابزار چاپ برای توسعه مذهب تشیع و مناسک آن بهره گرفته می شود.

**کلیدواژه‌ها:** تجددخواهی، نوگرایی، قاجار، صنعت چاپ، ارتش، سوادآموزی، بهداشت عمومی، مناسک مذهبی، حوزه علمیه، عباس میرزا قاجار، فتحعلی شاه قاجار.

#### Notes on Publishing Books (15)

#### The Growth of the Military and the Public under the Shadow of the Printing Industry

#### An Overview of the Impacts of the Printing Industry on the Development of the Military and Society at the Beginning of the Qajar Era

Majid Jalisch

**Abstract:** Although the onset of modernization in Iran did not coincide with the introduction of the printing industry, this industry significantly accelerated the modernization of the military, literacy, and public health in Tabriz. In contrast, during the era of Fath-Ali Shah in Tehran and Isfahan, the narrative took a different turn, where the printing press was utilized to promote the Shia religion and its rituals.

**Keywords:** Modernization, Innovation, Qajar, Printing Industry, Military, Literacy, Public Health, Religious Rituals, Seminary, Tabriz, Tehran, Isfahan, Abbas Mirza Qajar, Fath-Ali Shah Qajar.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

نظریات متعددی در خصوص سرآغاز نوگرایی و تجددخواهی در ایران بیان می‌شود. برخی حضور مستشاران اروپایی و برخی دیگر اعزام جوانان ایرانی برای تحصیل به اروپا را سرمنشأ تحول‌خواهی در ایران می‌دانند. یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌پردازی‌ها در این خصوص متعلق به الکساندر خودزکو<sup>۱</sup> است. او آغاز تجددخواهی ملت ایران را با تغییر وضعیت ارتش و راه‌اندازی چاپخانه در ایران همراه می‌داند.<sup>۲</sup>

شکی نیست که همگی عوامل مذکور و حتی بسیاری از عوامل دیگر در حرکت ایرانیان به سمت تجددخواهی نقش داشته‌اند، اما اگر چاپ را به عنوان ابزار و یا به بیانی دقیق‌تر و امروزی‌تر به عنوان رسانه یا پلتفرم در نظر بگیریم، عملاً از طریق رسانه چاپ است که حوزه‌های جدید و گوناگون دانشی به مخاطبان منتقل می‌گردد.

صنعت چاپ خود به عنوان یکی از مصادیق تجددگرایی در غرب، محملی برای انتقال اندیشه‌ها، افکار، تکنولوژی، صنعت، مدرنیزاسیون و... به شمار می‌آید. ابزاری جدید که انتقال و توسعه پرشتاب دانش در حوزه‌های مختلف را فراهم می‌نمود.

در این مقاله دو دهه ابتدایی ورود صنعت چاپ به ایران و تأثیرات آن در رشد نظام و عوام را مورد بررسی قرار خواهیم داد و اینکه چگونه این صنعت و ابزار توانست جامعه سنتی آن روزگار را به سمت نوگرایی و تجدد سوق دهد.

## سرآغاز چاپ در ایران

صنعت چاپ ابزار و امکانی برای توسعه جامعه عقب مانده آن روزگار به شمار می‌رفت، جامعه‌ای که تقریباً در بسیاری از شاخه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... حتی از کشورهای همسایه خود نیز عقب مانده بود. جنگ‌های طولانی و فرسایشی چه در حکومت‌ها و سلسله‌های پیشین و همچنین جنگ‌های داخلی برای برتخت نشستن آقامحمدخان (ح ۱۱۵۵-۱۲۱۱ق) و بعدتر فتحعلی‌شاه (۱۱۸۳-۱۲۵۰ق) و

1. Alexandre Chodzko

2. A. Chodzko. De la lithographie en Perse, Le moniteur universel, 21 September, 1857, p. 4.

از همه بدتر جنگ با امپراطوری روسیه ایران را روزبه‌روز بیشتر در گودال عقب‌ماندگی فرو برده بود.

پس از پایان جنگ میان ایران و امپراطوری روسیه به سال ۱۲۲۸ق و در سایه صلحی که به مرزها و دیگر مناطق ایران بازمی‌گردد، اعزام هنرمندان و دانشجویان جوان ایرانی به کشورهای اروپایی و مناطق مختلف روسیه و در کنار آن انتقال تجهیزات و امکانات مختلف برای برزورسانی و بازسازی امکانات نظامی، اقتصادی، فرهنگی و... از مهمترین اقداماتی است که عباس میرزا نایب‌السلطنه با سرعت دنبال می‌کند. یکی از مهمترین تکنولوژی‌هایی که عباس میرزا به جد به دنبال انتقال آن به ایران بود، صنعت چاپ است.

هرچند هنوز داستان وارد کردن تجهیزات چاپ به شهر تبریز برای ما رازآلود و گنگ است اما اینگونه به نظر می‌رسد که اولین بار فردی به نام آقانوروز نسبت به خریداری یک دستگاه چاپ حرفی با تجهیزاتش و انتقال به شهر تبریز و سپس فروش آن به عباس میرزا اقدام می‌نماید. ما هیچ شناخت و آشنایی از آقانوروز نداریم، اما احتمالاً او تاجر و سرمایه‌گذاری بوده که این دستگاه چاپ و ادوات آنرا از روسیه خریداری و به تبریز وارد چه بسا قصد داشته چاپخانه‌ای نیز راه‌اندازی نماید، اما به دلایلی این اتفاق صورت نگرفته و عباس میرزا نایب‌السلطنه که بسیار علاقه‌مند و پیگیر راه‌اندازی چاپخانه‌ای در شهر تبریز بوده این موضوع را به سرانجام می‌رساند. این چاپخانه یا آنگونه که در مباحثه‌نامه آن درج شده مگنه‌خانه همراه با دستگاه و ادواتش توسط آقانوروز در تاریخ ۱۵ شوال ۱۲۳۲ق. به مبلغ دویست تومان به عباس میرزا نایب‌السلطنه فروخته و این مباحثه‌نامه در حضور میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی و شهود و حاضران دیگری چون محمدیوسف حسنی حسینی، رضا بن میرحسینعلی طلائی مهر و امضاء می‌گردد. (تصویر شماره ۱) تقریباً یازده ماه پس از امضای این مباحثه‌نامه اولین کتاب منتشره در ایران یعنی رساله جهادیه میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی به تاریخ ۲۵ رمضان سال ۱۲۳۳ق در شهر تبریز با تکنیک چاپ سربی منتشر می‌گردد.

با راه‌اندازی دارالانطباع یا باسمه‌خانه دارالسلطنه تبریز رشد و توسعه در بسیاری از حوزه‌ها آغاز می‌گردد و این تکنولوژی تبدیل به ابزار و امکانی می‌گردد که سرعت انتقال

دانش از غرب و همچنین توسعه آن در ایران را چندین برابر می‌کند. دارالانطباع تبریز چاپخانه‌ای کاملاً دولتی و حکومتی بود که تمام هزینه‌های خرید، راه‌اندازی، نگارش، چاپ و انتشار کتاب‌ها و محصولات چاپی دیگر آن توسط حکومت و با دستور شخص عباس میرزا نایب‌السلطنه پرداخت می‌گردید. ازین رو سیاستگذاری انتشار کتاب در دوره حکومت عباس میرزا برایالت آذربایجان کاملاً زیر نظر او و به احتمال قوی با مشورت مشاورانی بوده است. عباس میرزا بنابر ضرورت، امکانات و مقتضیاتی با استفاده از چاپ تلاش می‌کند تا ارتش را توسعه و نظم داده و همچنین سواد عمومی را افزایش دهد، همچنین بر مبنای طب اروپایی سعی در گسترش بهداشت عمومی می‌نماید. در ادامه بنابر مستنداتی که تا به امروز شناسایی و به دست آمده است به این تأثیرات و تلاش‌هایی که صورت گرفته اشاره خواهیم نمود.

#### ۱- تقویت ارتش

دارالانطباع دارالسلطنه تبریز حدود چهار سال پس از اتمام دور اول جنگ‌های ایران و روس تأسیس می‌گردد. چاپ و انتشار کتاب‌هایی در آموزش فنون جنگ و چگونگی استفاده از ابزار آلات جنگی و یا انتشار نظام‌نامه‌هایی کم‌برگ در بهبود سازوکار اداره بخش‌های مختلف ارتش و چگونگی رفتار فرماندهان و سربازان و همچنین انتشار اعلان‌هائی تک‌برگ برای اطلاع‌رسانی به قشون جهت انجام هرچه بهتر وظایف محوله به‌آنها، همگی از جمله مواردی هستند که از طریق چاپخانه امکان‌پذیر بود. اما طبیعتاً در بدو راه‌اندازی چاپخانه در تبریز شناختی در خصوص قابلیت‌ها و فواید چاپخانه برای بسیاری از موارد ذکر شده نبود. از طرف دیگر نه فردای وجود داشتند که بتوانند اقدام به نگارش متون آموزشی نمایند و نه مترجمانی تعلیم و تربیت یافته بودند تا بتوانند چنین متونی را از دیگر زبان‌ها ترجمه و منتشر کنند. با همه این اوصاف در اولین مرحله تصمیم گرفته می‌شود که ازین امکان برای تقویت و توسعه ارتش بهره‌برداری گردد. لذا در اولین گام جدی عباس میرزا و مشاور اعظم او میرزا عیسی قائم مقام فراهانی تصمیم می‌گیرند، از امکانات این چاپخانه برای استمرار استراتژی که پیش از این در اواخر جنگ دنبال می‌کردند استفاده نمایند. اما این استراتژی چه بود و چاپخانه تبریز چگونه می‌توانست به آنها برای بازسازی و توسعه ارتش ایران کمک نماید؟

## استراتژی جهاد دینی

گفته می‌شود که بهانه صدور اعلان فتوای جهاد تعدی روس‌ها به اهالی مسلمان قفقاز بود<sup>۱</sup>، اما این موضوع به‌تنهایی دلیل کافی برای تشویق علما به صدور جهاد علیه روس‌ها نبوده است. در طول جنگ تردیدهایی برای سپاهیان ایران پیش می‌آید که حاکمان را برآن می‌دارد تا دست به دامن مراجع شده تا آنها با صدور فتوای جهاد دینی به تشویق هرچه بیشتر مردم و سپاهیان برای شرکت در جنگ بپردازند. این موضوع را مفتون دنبلی در کتاب متأثر سلطانی اینگونه بیان نموده است:

«خارخار این اندیشه نیز بر دامن دلها می‌آویخت که آیا تحمل این مشقت و مصابرت درین زحمت بی‌نهایت که هنگامه محشر از او نمونه و روز غضب داور از او نشانه بود و صرف اموال بیکران و تضییع جان‌ها و در باختن سرها و روان‌ها در بارگاه الهی مثمر سعادت و باعث ایشار رحمتی و مغفرتی است، یا محض صیانت ملک یا مجرد دفاع یا رعایت سد رخنه بیگانه یا مخصوص به اهل آذربایجان یا غزا و جهادی است که همه مسلمانان درین زحمت شرکت دارند؟»<sup>۲</sup>

تزلزل در میان سپاهیان ارتش ایران را در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح امپراطوری روسیه در موضع ضعف قرار داده و موجب کاهش تعداد نفرات و نیروی انسانی ارتش می‌گردد، رویه‌ای که در سالهای آخر جنگ بیش از هر زمان دیگری آزار دهنده و در معادلات جنگ تأثیرگذار است. در سال ۱۲۲۸ ق عباس میرزا نایب‌السلطنه با هوشمندی و با استفاده از پشتوانه دینی و مذهبی که پدرش فتحعلی‌شاه قاجار برای حکومت قاجار فراهم نموده بود به سراغ مراجع و علمای طراز اول شیعه در ایران و عراق رفته و آنان را با خود همراه می‌کند.<sup>۳</sup>

۷۲

آینه پژوهش | ۲۰۸

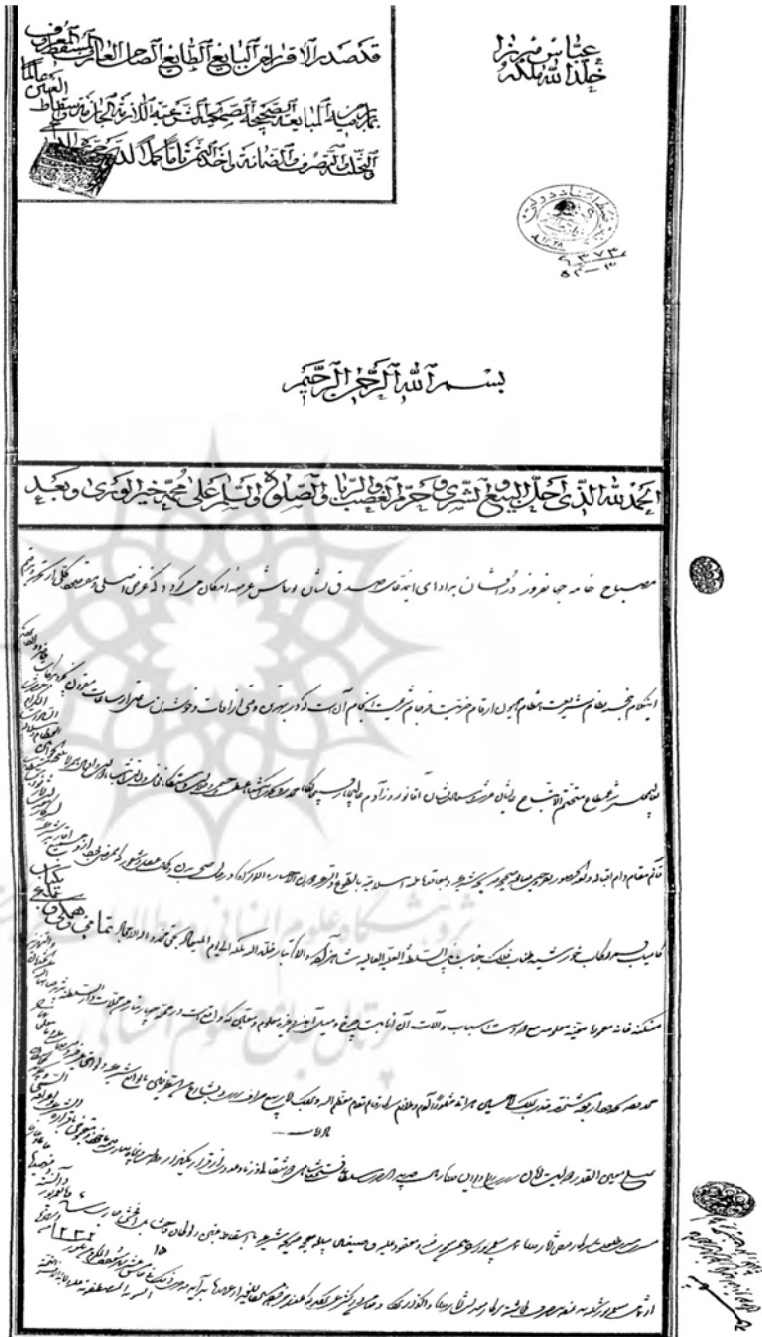
سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. دین و دولت، ۱۴۷.

۲. متأثر سلطانی، ۲۲۱.

۳. در کتاب ناسخ التواریخ، صدور اعلان جهاد در تاریخ ۱۲۲۳ ق و در کتاب منتظم ناصری تاریخ ۱۲۲۴ ق ثبت شده است.



صویر ۱. مبیاعه نامۀ فروش یک دستگاه منگنه خانه به عباس میرزا به سال ۱۲۳۲ق (کاخ گلستان)

«سجل:

قد صدر الإقرار من البايع الطابع الصاحي العارف المستقط المعروف بما زبر فيه من المبايعه الصحيحه الصريحه الشرعيه اللازمه الجازمه واسقاط الغبن عالما والتخليه والتصرف والضمانه واخذ الثمن تاما كملا لدى حرره الداعي، مهر: «الواثق بالله الغني عبده محمد يوسف الحسنی الحسینی»

بالای راست «عباس میرزا خلدالله ملکه»

مهر وزارت مالیه «دفتر ضبط اسناد دولتی - وزارت مالیه سنه ۱۳۲۸» نمره ۳-۳۷۳/۵۴

مهر حاشیه: «یاتی من بعدی اسمه احمد»

حاشیه پایین: شهود، عالیحضرت سیادت فطرت آقا سیدرضا تاجر ولد مرحوم کربلائى میرحسینعلی مشهور بطلائی، مهر «عبده الراجی رضا الحسنی»

بسم الله الرحمن الرحيم

[۱] الحمد لله الذى احل البيع والشرى وحرم الغصب والربا والصلوه على محمد خير الورى وبعد

[۲] مصباح خامه جهانفروز در افشان برادای اینمدعاى صديق نوريابش عرصه امکان می گردد که عرض اصلى و مقصود کلی از تحرير و ترقیم

[۳] اینکلام خجسته نظام شریعت انتظام همیون ارقام خیریت فرجام شرعیت انجام آن است که در بهترین وقتی از اوقات و خوشترین ساعتی از ساعات مقرون بخیر و برکات حاضر و وارد گردید

[۴] یعالیمجلس شرع مطاع متحتم الاتباع عالیشان عزت و سعادت نشان آقا نوروز آدم عالیجاه رفته بجایگاه مجدت و نجدت اکتناه عظمت و حشمت وجلالت دستگاه فخامت و بسالت انتباه دولت و اقبال همراه تنیجه الخوانین العظام و سلاله السادات الکرام حضرت

[۵] قائم مقام دام اقباله و بعد الحضور بفروخت بمبايعه صحيحه صريحه شرعيه و بمعاقده مليه اسلاميه بالطوع والرغبه دون الاجبار والاكره در حالت صحت بدن و کمال عقل و شعور که ممضی بود ازو جميع اقارير شرعيه بسرکار معلدت آثار نواب مستطاب

[۶] کامیاب قمر رکاب خورشید طناب فلک جناب نایب السلطنه العلیه العالیه شاهزاده والاتبار خلدالله ملکه الی یوم الميعاد بحق محمد و آله الامجاد تمامی و همگی و جملگی یکباب



[۷] منگنه خانه معموره معینه معلومه مع دویست اسباب و آلات آن از بابت چرخ و میل آهن و غیره معلوم و معین که واقع است در محله چهار منار من محلات دارالسلطنه تبریز صانها الله عن الخربان والتهزیز

[۸] محدوده بحدود اربعه مشخصه حدی بملک آقا حسین هراتی مشهورا آدم و ملازم سرکار قائم مقام معظم الیه و بملک آقا ربیع صراف تبریزی و بشارع من الطرفین با توابع شرعیه لواحق عرفیه و منضمات ملیه و ما يتعلق بها را

[۹] بمبلغ معین القدر دویست تومان تبریزی (سیاه: ۲۰۰) رایج دیوان والا ریال جدید الضرب سلطانی فتحعلی شاهی دو مثقالی وزنا و عددی از قرار یکهزار و دویست و پنجاه دیناری قیمه ماخوذ و مقبوض باقراره الشرعی واعترافه السمعی و بخیرید کما سطران

[۱۰] مشتری مشتری طلعت سرکار فیض آثار والا تمامی مبیعمزبور را بثمان منعوت فیه و معقود علیه و صیغه مبیاعه صحیحه صریحه شرعیه با اسقاط غبن و لو کان فاحضا بل افحض جاری شد بایعمزبور دانسه و فهمیده عالما و عارفا

[۱۱] از تمامی مبیعمزبور تخلیه ید نموده بتصرف گماشته سرکار معدلت آثار والا واگذار کرد و ضامن در کشرعی گردید که عند خروجه مستحقا للغیر از عده برآید و حرر ذلک فی خامس عشر شهر شوال المکرم من شهر سنه ۱۲۳۲ من الهجره النبویه المصطفویه علیه وآله آلاف التحیه.

در اینکه ایده استفاده از ظرفیت عالمان دینی برای تشویق و تهییج ارتش ایران متعلق به چه کسی بوده است تردیدهایی وجود دارد. حامد الگار بیان می کند که «اگرچه عباس میرزا در مانورهای سیاسی که به جنگ منجر شد نقش مهمی داشت و به تن خود حمله به سرزمینهای اشغالی را رهبری می کرد، تصمیم اعلان جهاد دست کم از لحاظ تشریفاتی با فتحعلی شاه بود<sup>۲</sup>» الگار معتقد است که «عباس میرزا خود تصمیم به جنگ داشت، تنها از سلاح فشار روحانیون سود جست تا فتحعلی شاه را ناگزیر به موافقت کند.<sup>۳</sup>»

1. An Iranian Town in Transition: A social and Economic History of the Elites of Tabriz: 307

۲. دین و دولت، ۱۴۸.

۳. همان.

ناگفته نماند که موضوع اخذ فتوای جهاد از علما پیش از این توسط شخص فتحعلی شاه نیز دنبال می شده است، چنانچه در نامه‌ای که او خطاب به میرزای قمی می نویسد<sup>۱</sup> از او می خواهد که فتوایی جهت تشویق مردم به جهاد صادر نماید:

«گر آن جناب، قعود خود را از جهاد به قوانین اجتهاد حجتی آرند، در انبعاث اصحاب و مقلدین و اجماع علما و متقلدان شرع مبین - که زیاده باید جاهد و ساعی در نصرت دین و خائف و هارب از قعود به تخلف از مجاهدین باشند - عذر نخواهند داشت<sup>۲</sup>»

و همچنین افرادی نیز تألیفات خود در موضوع جهاد را مستقیماً تقدیم به فتحعلی شاه قاجار نمودند، که از آنجمله می توان به محمدعلی بن عبدالرحیم زنجانی (۹-۱۲۶۷ق) اشاره نمود که کتاب حسام الإسلام او منظومه‌ای در همین موضوع است.<sup>۳</sup>

اما مسلم است که در خصوص این فقره و در این جنگ، این شخص عباس میرزا است که این ایده را دنبال کرده و با همکاری میرزا عیسی قائم مقام فراهانی به نتیجه می رساند. چنانچه رساله‌های مختلفی در موضوع جهاد<sup>۴</sup> به درخواست عباس میرزا تألیف و تدوین گشته است. میرزای قمی از معروف ترین عالمان این دوره کتاب تحفة العباسیه را به خواهش نایب السلطنه عباس میرزا تألیف نموده و نام او را در دیباچه بتجلیل یاد فرموده است.<sup>۵</sup> شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۱۵۶-۱۲۲۸ق) کتاب غایة المراد فی أحكام الجهاد را به تاریخ ۱۲۲۷ق به درخواست عباس میرزا به نگارش درمی آورد.<sup>۶</sup> علی بن محمدعلی طباطبایی کربلایی (۱۱۶۱-۱۲۳۱ق) معروف به صاحب ریاض باب جهاد از کتاب ریاض

## ۷۶

آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. این نامه در سال ۱۲۲۴-۲۵ق در پاسخ به مکتوب میرزای قمی که در آن تخفیف مالیات دیوانی مردم قم را به خاطر آفات زراعی سال درخواست نموده و شفاعت مصطفی قلی خان تحریر گشته است. رک: پنج نامه از فتحعلیشاه قاجار به میرزای قمی، ۲۶۱.

۲. پنج نامه از فتحعلیشاه قاجار به میرزای قمی، ۲۶۹.

۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ایران، ۱۵۱/۷؛ فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی، ۵۶۹/۱.

۴. جهت آشنایی بیشتر با رساله های نگاشته شده در این موضوع رجوع کنید به: دین و سیاست در دوره صفوی، ۳۳۴-۳۳۱ و فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، ۱۸۸/۱۱-۱۹۳.

۵. مقدمه ای بر فقه شیعه، ۳۲۴؛ فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۴۱۵/۵.

۶. از این رساله با عنوان الحسام البتار فی قتال الکفار نیز یاد شده است. رک: الذریعة، ۱۶/۱۶؛ مقدمه ای بر فقه شیعه، ۳۱۹.

المسائل خود را در اثر خواهش کتبی عباس میرزا بر سبیل استعجال از آن کتاب جدا نموده و مصدر به دیباچه مستقلی داشته و در همین دیباچه به جوب جهاد و لزوم اطاعت از شاهنشاه ایران در این باب فتوا داده است.<sup>۱</sup> او در ابتدای این رساله چنین می‌نگارد که:

«... قد طلب مني الأمير الأعدل الأكرم الأعظم الأفخم مالك رقاب الأمم المجاهد المحامي لدين الله والغازي في سبيل الله الوالي للولاية الكبرى ونائب السلطنة العظمى عباس ميرزا لازالت مقامع سطوته مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة في كتابه الكريم المبعوث الي مع رسوله اللبيب الأديب الفهيم ولدنا الفاضل الباذل الألمعي المولى محمد باقر السلماسي أن أكتب له تفصيل مسائل الجهاد...»<sup>۲</sup>

همچنین فرزند صاحب ریاض سید محمد مجاهد (۱۱۸۰-۱۲۴۲ق) نیز کتاب جهاد العباسی را به دستور عباس میرزا تحریر نموده است.<sup>۳</sup>

این ایده خیلی زود به نتیجه رسیده و تب فتوای جهاد علیه روس‌ها آنچنان داغ می‌گردد که حتی عالمان محلی و غیرمرتبط با دستگاه حکومت نیز بدون آنکه از آنان خواسته شود، اقدام به نگارش رساله‌هایی در این موضوع کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به جهادیه‌ای مجهول المؤلف اشاره نمود که در آخرین سالهای دوره اول جنگ‌های ایران و روس توسط مؤلفی گوشه‌گیر و منزوی ساکن آذربایجان که ارتباطی با دستگاه دولت نداشته، اشاره نمود.<sup>۴</sup> کتاب تحفة المجاهدين نگاشته محمد حسن بن محمد ابراهیم گیلانی نیز یکی از این نمونه‌هاست. مؤلف از جمله عالمان و شیخ الاسلام شهر خوی بوده است.<sup>۵</sup>

عبدالرزاق دنبلی که شاهد و ناظر رخدادهای جنگ‌های مرحله اول ایران و روس بوده است، طی گزارشی به این موضوع اشاره نموده و در ذیل باب «بیان فتاوی مجتهدین

۱. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ۳۲۳.

۲. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۴۵۵/۵.

۳. الذریعه، ۲۹۷/۵؛ فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی، ۴۱/۲؛ فهرست نسخه‌های عکسی مرکز

احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸/۲.

۴. میراث اسلامی ایران (جهادیه)، ۱۸۳/۲.

۵. میراث اسلامی ایران (تحفة المجاهدين)، ۲۱۴/۲.

عصر درین سالها در باب محاربات...» به این واقعه مهم تاریخی اشاره نموده و در خصوص همراه نمودن عالمان برای تشویق مسلمین به شرکت در جنگ اینچنین بیان می دارد که:

«... مسلمانان در این زحمت شرکت دارند. و این همه خزائن و سلاح که در اصلاح این کار و تجهیز لشکر جرار صرف می شود، خزینه ها پرداخته و کارها ساخته می گردد، موافق قانون شرع رسول اکرم است یا متعارف به قاعده معرف و دستور ملک داری خسروان معظم و شیوه کسری و جم. بنابر تمهید این مقدمات، نایب السلطنه و قائم مقام بعد از عرضه داشت به دربار خاقان جم جاه، اولاً عالی جناب حاجی ملا باقر سلماسی و ثانیاً صدرالملک والدین، مولانا صدرالدین محمد تبریزی را برای استفتاء و حل مسائل و تحقیق مدعا از شیخ جعفر نجفی و میرزا ابوالقاسم چاپلوی و آقا سید علی مجتهد، نورالله مضجعهم و شکرالله مساعیهم، به عتبات عالیات عرش درجات روانه نمودند و نیز مکاتبات و مراسلات در این خصوص به تفتیش آیات و نصوص به علمای اصفهان و یزد و کاشان، مانند مرحوم حاجی محمد حسین امام جمعه اصفهان و ملا علی اکبر ایجی و آخوند و ملا احمد کاشی نگاشتند و در اندک مدّت رسایل عدیده از اطراف و جوانب در رسید<sup>۱</sup>»

میرزا عیسی قائم مقام فراهانی مجموع این فتاوی و رسائل را گرد هم آورده و با تجميع آنها دست به نگارش کتابی با عنوان احکام الجهاد و اسباب الرشاد می زند. فقهای که فتوا و نظراتشان در کتاب قائم مقام ذکر شده عبارتند از: شیخ جعفر کاشف الغطاء، میرزا ابوالقاسم قمی، حاجی شیخ هاشم کعبی، سید علی طباطبایی ملقب به صاحب ریاض، آقا سید محمد مجاهد، حاجی میر محمد حسین اصفهانی ملقب به سلطان العلماء امام جمعه اصفهان، شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و ملا علی اکبر ایجی اصفهانی.

هرچند این ایده در آن سالها کمک قابل توجهی در ترمیم ارتش ایران و تشویق مردم به پیوستن به ارتش نمود، اما سرانجام این جنگ به پیروزی لشکر امپراطوری روسیه و

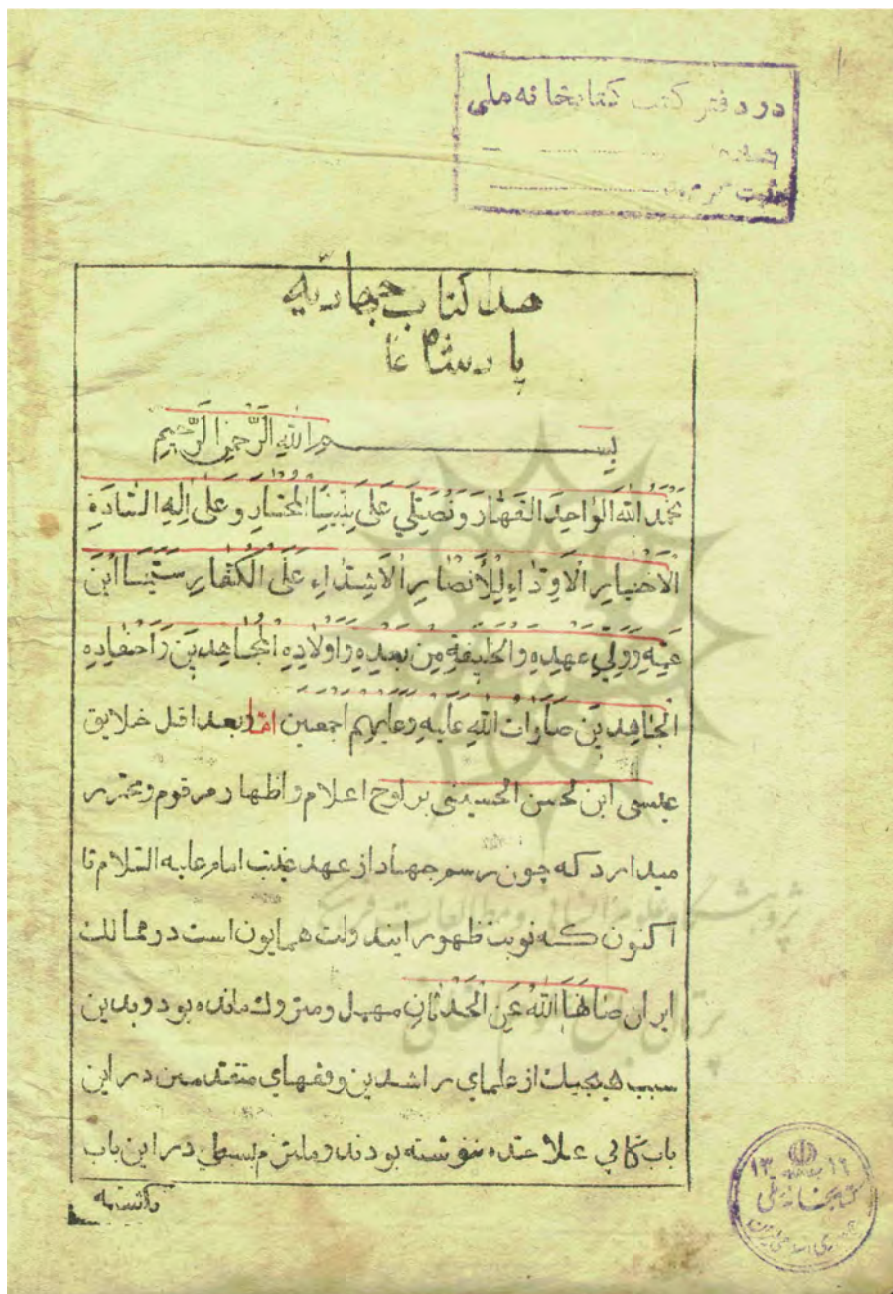
عهدنامه گلستان مختوم می‌گردد. اما بعد از پایان جنگ و با راه‌اندازی دارالانطباع دارالسلطنه تبریز حکومت به فکر می‌افتد که از این ظرفیت برای تجدید قوا و توسعه ارتش ایران بهره ببرد. لذا میرزا عیسی قائم مقام فراهانی کتاب احکام الجهاد و اسباب الرشاد، که از آن به عنوان جهادیه کبیر هم یاد می‌شود را خلاصه می‌نماید و نسخه‌ای با نام جهادیه صغیر تألیف می‌نماید و چنانچه عبدالرزاق دنبلی اشاره می‌کند «به ترتیب رساله‌ای دیگر پرداخت آن نسخه را در اندک روزی مضبوط و مدون ساختند و آن رساله در نهایت اختصار پسندیده طباع مختلفه و آراء متفاوته آند و از روی آن نسخه نسخ دیگری در قلم آمد»<sup>۱</sup>

به طور دقیق نمی‌دانیم که رساله جهادیه صغیر در چه تاریخی تنظیم و تحریر گشته است، اما بر اساس تاریخی که در انتهای یکی از نسخه‌های خطی موجود از این رساله درج گردیده<sup>۲</sup> می‌توان احتمال داد که این رساله در سال ۱۲۳۲ق تنظیم و استنساخ یافته است. چنانچه پیش ازین اشاره شد در همین سال عباس میرزا یک فقره چاپخانه همراه با دستگاه و ادواتش از فردی با نام آقانوروز خریداری می‌کند و در فاصله کمتر از یک سال بعد است که در تاریخ ۲۵ رمضان سال ۱۲۳۳ق رساله جهادیه صغیر به شیوه چاپ سربی در شهر تبریز چاپ و منتشر می‌گردد.

انتشار این نسخه به عنوان اولین محصول چاپی این چاپخانه گواهی بر اهمیت موضوع جهاد و جنگ با بیگانگان و بالاخص ارتش امپراطوری روسیه است. چرا که با انتشار این کتاب مهم و توزیع و تکثیر آن در اطراف و اکناف ایران، استراتژی جهاد دینی بیش از پیش تبیین گردیده و آمادگی ذهنی و قوت قلبی برای سربازان ارتش ایران و دیگر مردم ایجاد می‌نمود. این کتاب آنقدر برای حاکمیت حائز اهمیت بود که به فاصله کوتاهی پس از انتشار اولیه آن در تاریخ ۷ ذی حجه سال ۱۲۳۴ق باردیگر البته اینبار با حروفی زیباتر و بهتر و تیراژی بیشتر چاپ و منتشر می‌گردد.

۱. مآثر سلطانیه، ۲۲۳.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی، ۲۱۴/۱۷.



۸۰

آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

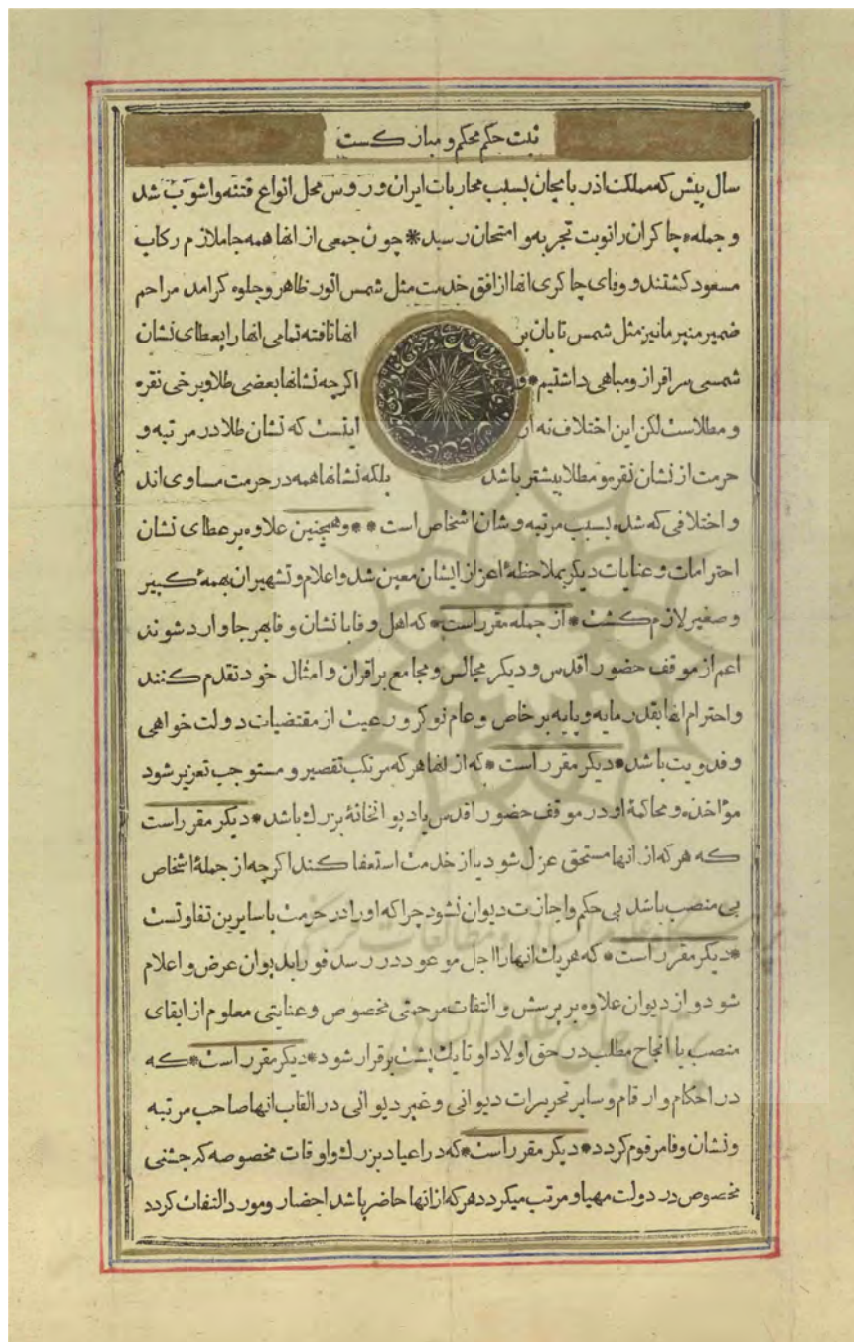
## انتشار اعلان

تک‌برگ‌های چاپی یکی از کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مواد چاپی بودند که می‌توانستند حاوی فرمان، احکام، قوانین و یا اعلان‌هایی برای آگاهی مردم و بالأخص سربازان و فرماندهان سپاه باشد. شکی نیست که در دارالانطباع دارالسلطنه تبریز نیز در موارد متعددی از این نوع مواد چاپی منتشر شده است، اما مع‌الأسف به دلایل مختلفی هم آگاهی از این تک‌برگ‌ها به ما نرسیده و هم نمونه‌های برجای مانده آنها بسیار نادر است.

تا به امروز تنها یک نمونه از اعلان‌های چاپی با تکنیک چاپ حروفی شناسایی و معرفی شده است. اما همین نمونه به‌تنهایی مؤید مناسبی برای اطلاع استفاده‌ابزاری از تکنولوژی چاپ برای قدرت بخشیدن به ارتش ایران در آن روزگار به‌شمار می‌رود. با مطالعه یکی از نادرترین تک‌برگ‌های چاپی که از آن روزگار برجای مانده به خوبی می‌توان درک نمود که حکومت قاجار چگونه با استفاده از ظرفیت این صنعت به تقویت هرچه بیشتر ارتش و روحیه سربازان و فرماندهان همت می‌گمارده است. این تک‌برگ چاپی که می‌توان آنرا «فرمان نشان شمسی» نامید، اعلانی است که پس از پایان جنگ میان ایران و روسیه که به تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ ق/۲۷ فوریه ۱۸۲۸ م به عهدنامه ترکمنچای منتهی می‌گردد، صادر می‌شود. این فرمان برای کسانی صادر شده است که در جنگ ایران و روس نسبت به پادشاه از خود وفاداری نشان داده‌اند و به موجب این فرمان ضمن اهدای نشان شمسی به آنها مزایایی نیز برای این اشخاص در نظر گرفته شده که در این فرمان بدانها اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص این فرمان رجوع کنید به: چاپ‌نوشت (۷): تک‌برگ‌های چاپی در اینکونابولای ایرانی، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰۰)، خرداد و تیر ۱۴۰۲، صص ۱۴۹-۱۸۶.







## ۲- توسعه سوادآموزی

حاکمیت آن روزگار تبریز و در رأس آن عباس میرزا خوب می‌دانست که توسعه سطح سواد مردم مهمترین رکن رشد و توسعه جامعه آن روزگار برای نیل به سوی جامعه‌ای متمدن و متجدد است. ازین رو در گام بعدی پس از انتشار رساله جهادیه به سالهای ۱۲۳۳ق و ۱۲۳۴ق ما شاهد چاپ و انتشار کتاب گلستان سعدی که متنی مکتب‌خانه‌ای برای آموزش خواندن و نوشتن به شمار می‌رفت هستیم. آغاز درس در مکتب با آموزش قرآن بود و بعد از آن هر معلم مکتب وظیفه داشت اصولی همچون نماز، روزه، طهارت و دیگر مسائل دینی را به دانش‌آموزان بیاموزد. همچنین آموزش خواندن و نوشتن با استفاده از کتاب‌هایی همچون گلستان و بوستان سعدی نیز انجام می‌گرفت. متنی که حداقل از دوره صفویه به بعد برای آموزش خواندن و نوشتن کودکان مورد استفاده قرار می‌گرفته است، آنچنان که محسنای شیرازی از شاعران عصر صفوی می‌نویسد:

«سواد خواندنی اطفال از گلستان است»<sup>۱</sup>

۸۳

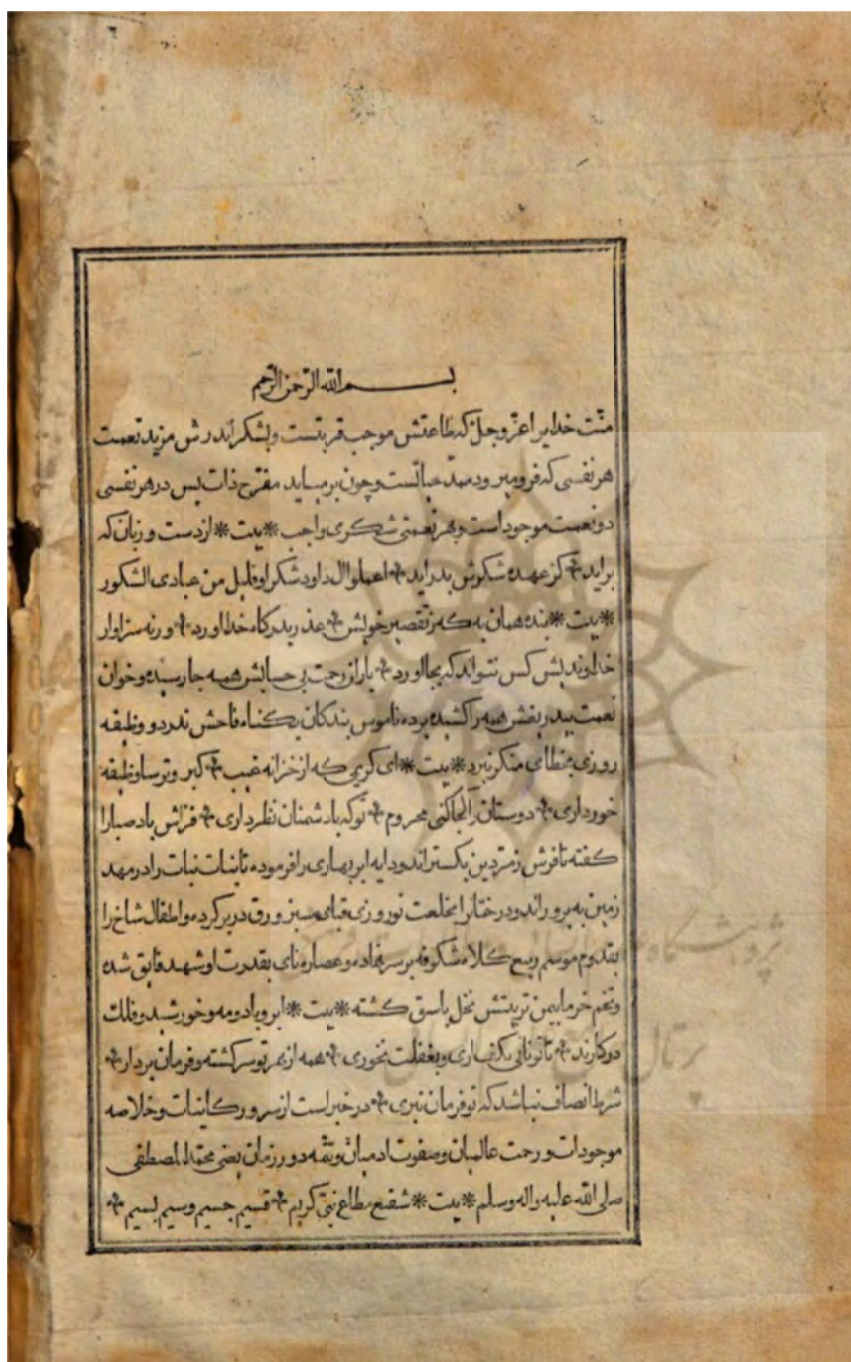
آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

قابل ذکر است مطابق بررسی که در میان نسخه‌های خطی برجای مانده در میان سالهای ۱۲۰۰ الی ۱۲۳۳ق در کتابخانه‌های مختلف ایران انجام دادیم، به هیچ نسخه خطی از کتاب گلستان سعدی که در آن روزگار در تبریز کتابت شده باشد برخورد نکردیم، این نشان‌دهنده آن است که این کتاب باوجود اهمیتش برای سوادآموزی اطفال یا در دسترس نبوده و یا به ندرت و به سختی در دسترس بوده است.

راه‌اندازی دارالانطباع دارالسلطنه تبریز امکانی فوق‌العاده برای تسهیل دسترسی به این کتاب است. طی گزارشی این آگاهی به ما رسیده است که کتاب گلستان در سال ۱۲۳۶ق در شهر تبریز و توسط فردی به نام میرزا جعفر چاپ گردیده است.<sup>۲</sup> هرچند ما شناختی درستی از میرزا جعفر نداریم اما بنابر روایتی او همان میرزا جعفر منشی برادر میرزا صالح شیرازی است که پس از بازگشت از انگلستان دستگاه چاپ خریداری شده از آن دیار را در اختیار برادرش قرار داد و این چاپ از گلستان ما حاصل زحمات او و احتمالاً تدبیر میرزا صالح شیرازی است. تاکنون نسخه‌ای از این چاپ گلستان شناسایی نشده است،

۱. ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران، ۸۸/۱.

2. Journal Asiatique, paris, vol.1, 1822, p185



اما همین گزارش کافی است تا یقین کنیم که در پس بازگشت میرزا صالح شیرازی به تبریز و با انتشار کتاب گلستان نقطه عطفی تاریخی در ایران رقم می‌خورد و بدین ترتیب آهنگ توسعه سوادآموزی در شهر تبریز و دیگر شهرهای ایران به صدا در می‌آید. گلستان سعدی بعد از آن در سالهای ۱۲۳۹ق و برای سومین بار در سال ۱۲۴۳ق در شهر تبریز به شیوه چاپ سریبی بازنشر می‌گردد. انتشار چندبارۀ این کتاب و البته بوستان سعدی به سال ۱۲۴۶ق حکایت از عزم جدی حاکمیت برای توسعه سوادآموزی با استفاده از ابزار چاپ دارد. کاملاً مشخص است که عباس میرزا نایب السلطنه در آن روزگار عزمی جدی برای آموزش خواندن و نوشتن زبان فارسی و تربیت کودکان در ایالت تحت حکومت خود و البته فرزندان دیگر شهرها داشته است.

### ۳- توسعه بهداشت و سلامت عمومی

رشد و توسعه یک جامعه در گرو سلامت آن جامعه است. عباس میرزا بر خلاف پدرش فتحعلی‌شاه اعتماد قابل توجهی به پزشکان اروپایی داشت و همچنین یک نهضت جامع سلامت را در ذهن خود دنبال می‌نمود و از همین رو بود که تربیت پزشکانی بومبنای پزشکی غربی را دنبال می‌کرد. وی در اولین تلاش خود برای آموزش جوانان ایرانی فردی به نام میرزا حاجی بابا افشار را برای این منظور برای تحصیل به لندن می‌فرستد<sup>۱</sup>.

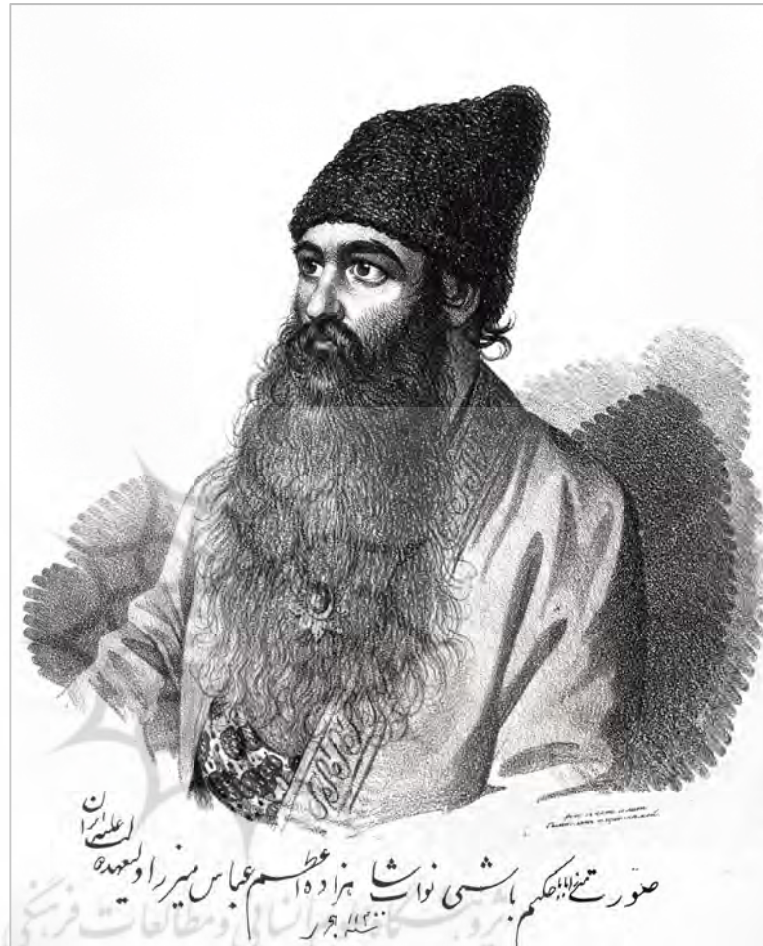
محمد بن عبدالصبور خویی تبریزی معروف به حکیم که خود از پزشکان حاذق پرورش یافته در دستگاه عباس میرزای قاجار بود در مقدمۀ کتاب مرکبات جوهریه که به امر عباس میرزا تدوین نموده است در خصوص توجه و دقت نظر عباس میرزا به موضوع علم پزشکی جدید و استفاده از داروهای جدیدی که در کشورهای غربی مرسوم بوده و گذر از طب سنتی و ارجحیت داروهای جوهری بر علفی اینچنین می‌گوید:

«... چون طبع عالی و خاطر متعالی نواب فلک جناب که مهبط الهام الهی و مخزن جواهر فراست و آگاهی است بایجاد کردن امور غریبه و اختراع نمودن آثار عجیبه رغبت کامل و توجه شامل داشت و برصاحب اینگونه عملها لطفهای فراوان و

۱. او به همراه جوان دیگری با نام محمدکاظم به سفارش عباس میرزا هنگامی که سرهارفورد جونز پس از به پایان رساندن مأموریتش در ایران به انگلیس باز می‌گشت به انگلستان اعزام می‌شوند تا به آموزش طبابت مشغول گردد. رکه: تاریخ و فرهنگ (اولین کاروان معرفت)، ۳۸۵.

مرحمت‌های بیکران می‌نمود و جناب سلطنت مآبش با آن همه مشاغل جهان‌داری و شواغل کامکاری پیوسته اوقات شریف بترتیب از باب عقل و رعایت اصحاب فضل و اعلای لواء دین و احیاء قوانین سیدالمرسلین مصروف میگردانید بناء علی ذلک در عهد آن ولیعهد صاحبان هرشغل و عمل و کارگذاران هرپیشه و کار در فنّ خود ترقیها کرده پایه شعاع خود را به اوج شعری رسانیدند و هرکس در صنعت و حرفت خود اهتمام تمام ورزیده جامع هنرهای گوناگون شدند از حسن تربیت نواب اشرف چندین گونه عملهای تازه و اختراعات جدید در ممالک ایران بهم رسید که یکی از آنها در عصر سلاطین سلف بظهور نیامده بود چه قدر ارباب فنون عجیبه و واضحات علوم غریبه که از ممکن خفاء بعرضه بروز درآمده منظور نظر عاطفت و احسان و شرفیاب نوازشهای بیکران آنحضرت شدند از آنجمله در فن طبابت چندین نفر طبیبان عاقل و کامل تربیت یافته مرحمت‌های نواب ارفع و اقدس گشتند که هریکی از ایشان ثانی اثین جالینوس بلکه برهم زن اساس براکلسوس بوده در معالجه امراض و مداوای اعراض دعوی اعجاز احیاء رسم مسیحا میکنند گاهی بسیاق معالجه اهل فرنگ جوهریات ادویه بکار میبردند و گاهی باسلوب قدیم اهل ایران ادویه علفیه استعمال مینمایند الحاصل از یمن تربیت والا صفحه تبریز رشک روم و انگلیس شده است و نظر براینکه دواهای جوهری که الحال در هفت قرال معمولست در ایران متداول نبود با اینکه از چند جهة بر دواهای علفی ایران ترجیح داشت چنانکه در مقدمه کتاب مذکور خواهد شد لهذا نواب والا را مقصود این شد که در این ممالک نیز مشهور و در اطراف و اکناف ولایات منتشر گردد تا اینکه از مرحمت بیغایت او که از لوازم رعیت پروری و عدالت گستریست خلق کثیری از او منتفع و بهره‌مند گردند و این دواهای نوظهور تابروز نشور در بلاد ایران بیادگاری بماند و باعث حیوة چندین هزار هزار خلق باشد...<sup>۱</sup>

از جمله مهمترین اقدامات عباس میرزا برای توسعه بهداشت عمومی دستور او برای انجام فراگیر واکسیناسیون آبله در ایالت آذربایجان است. عمل آبله‌کوبی آنهم با چنین جمعیت گسترده‌ای اولین واکسیناسیون عمومی برای ایمن‌سازی جامعه آن روزگار آذربایجان است. این پروژه گامی مهم در راستای بالابردن سطح سلامت عمومی در



تصویر ۴. تصویر چاپ سنگی میرزا بابا حکیم‌باشی که توسط آدولف منتسل چاپ و انتشار یافته است (موزه آرمیتاژ)

جامعه است. عباس میرزا که بیش از یک دهه قبل و تحت نظر پزشک مخصوص خود جان کارمک فرزندان خود را آبله‌کوبی نموده و از منافع اینکار کاملاً مطلع است، دستور می‌دهد تا نسبت به انجام واکسیناسیون عمومی کودکان ایالت تحت حکومت اقدام شود. حکیم خوئی داستان واکسیناسیون فرزندان عباس میرزا و این واقعه تاریخی مهم را اینچنین در مقدمه کتاب خود بازگو می‌کند:

«... مطابق سال همایون فال هزار و دویست و بیست و هشت هجری در اولاد امجاد آنحضرت که امیرزادگان والاشان بودند این عمل جدید را بکار برده بیاری

باری مطلوب بحصول پیوسته لله الحمد از آن زمان الی الان در هیچ کدام از امیرزادگان اعاده مرض آبله نشده صغارا او کباراً صحیح و سالم صحیح المنظر و وجه المظهر هستند ابقاهم الله الملك المبین الی یوم الدین پس چون بر رأی خورده بین اشرف والا بتجربه و عیان ثابت و واضح شد که فی الحقیقه این عمل جدید معدل و مقلد فساد آبله است لهذا از بابت لطف و رأفت که شیوه رعیت پروری و عدالت گستریست طبیب مزبور را مأمور ساختند که مرقوم را تعلیم کفیف الحاج والمعتمرین حاجی بابا نام که از منسوبان حضرت بود کند و آنهم در کل اطفال رعایا و غیرها اجرای عمل مذکور نماید تا نفوس غیرمتناهی از صدمات این مرض سالم و از مخاويف هلاکت درامان باشند...<sup>۱</sup>

حکیم خوئی ضمن تمجید از نوآوری های عباس میرزا برای پیشرفت و آبادانی هرچه بیشتر ایران شیوه آبله کوبی را اینچنین شرح می دهد.

« چون پیوسته ابداع صنایع عجیبه و اختراع بدایع غریبه در ممالک محروسه ایران صانها لله عن الحدثان مطمح نظر و مطرح بصر ظل اللهی بود، لهذا نواب والا بتربیت اصحاب صنعت و ارباب حرفت پرداخته از برکت التفات و توجه او هرپیشه در مظهر هزار هنر شد از آنجمله در فن طبابت چندین گونه امور غریبه ایجاد کرده شد که این رساله را حوصله آن نیست که از عهده شرح آنها برآید اعظم آنها که آن حضرت در اتمام آن اهتمام تمام داشت عمل آبله زدن بود باین نحو که از آبله گاو جراحت وریم بردارند و در عضوی از اعضای طفلی بزند که آن طفل هنوز آبله در نیاورده باشد و این عمل باعث بروز دانه های چند و دملهای کوچک میگردد که ظهور آنها در بدن طفل باعث این میشود که آن طفل دیگر با آبله در نمی آورد و من بعد مادم الحیوة از اعادت و سرایت مرض آبله مأمون و از آفات خطرناک این علت ردیه و ماده خبیثه محفوظ و مصون میماند...<sup>۲</sup> »

عباس میرزا به کارمک دستور می دهد تا شیوه آبله کوبی را به حاجی بابا افشار که طب را در لندن آموخته و پس از بازگشت به سمت حکیم باشی در دستگاه عباس میرزا مشغول به کار گشته بیاموزد و بدین ترتیب او تحت آموزش کارمک این فن را آموخته و در سال

۱. تعلیم نامه در عمل آبله زدن، گ ۵ر.

۲. همان، گ ۲ر.

۱۲۴۳ق از طرف عباس میرزا مأمور می‌شود تا عمل آبله‌کوبی را بر روی کل اطفال آن روزگار آذربایجان انجام دهد. و مطابق آنچه حکیم خوئی اعلام می‌کند قریب هشتاد هزار نفر کودک با مایه آبله گاوی واکسینه می‌شوند.<sup>۱</sup>

بعد از این واقعه است که عباس میرزا مترصد توسعه بهداشت و سلامت عمومی در سراسر ایران می‌گردد. اما این موضوع در جامعه سنتی آن روزگار به آسانی قابل تسری نیست. او به خوبی با رسانه چاپ و تأثیر آن بر جامعه آشناست. موضوعی که پیشتر در قضیه تقویت ارتش نیز مورد بهره‌برداری حاکمیت قرار گرفته است. گام مهم دیگری در رشد هرچه بیشتر جامعه آن روزگار اما اینبار از جهت پزشکی و سلامت است.

«چون منظور نظر اکسیر اثر نواب اشرف این بود که ترویج اینعمل عام البلوی کند وصیت منافع او را بگوش خاص و عام رساند و در هر یکی از ازمه و اعصار در کل بلاد و امصار باعث حیوة چندین هزار هزار گردد و این امر اهم تا بانقراض عالم بنحو اتم در صفحه قدم بماند لهذا کمترین بنده محمد بن عبدالصبور خوبی المولد تبریزی الموطن طبیب متطبب را مأمور نمود که کیفیت این امر عظم را که مصالح دین و دولت و ملک و رعیت در ضمن اوست تحریر و تسطیر نماید تا اینکه باین سبب از صفحه روزگار محو نگردد»<sup>۲</sup>

عباس میرزا از محمد بن عبدالصبور تبریزی خوئی می‌خواهد که دست به ترجمه و تدوین رساله‌ای در موضوع آبله‌کوبی بزند. کاملاً مشخص است که حکیم خوئی بسیار هدفمند و چه بسا با مشورت شخص عباس میرزا دست به نگارش این کتاب زده است، با مطالعه مقدمه این رساله به روشنی مشخص می‌گردد که هدف حاکمیت از نگارش و بعدتر چاپ این رساله، هم تشریح خدمات عباس میرزا در عرصه بهداشت عمومی و هم تشویق مردم دیگر شهرها برای برای همراهی و همکاری جهت توسعه واکسیناسیون آبله است.

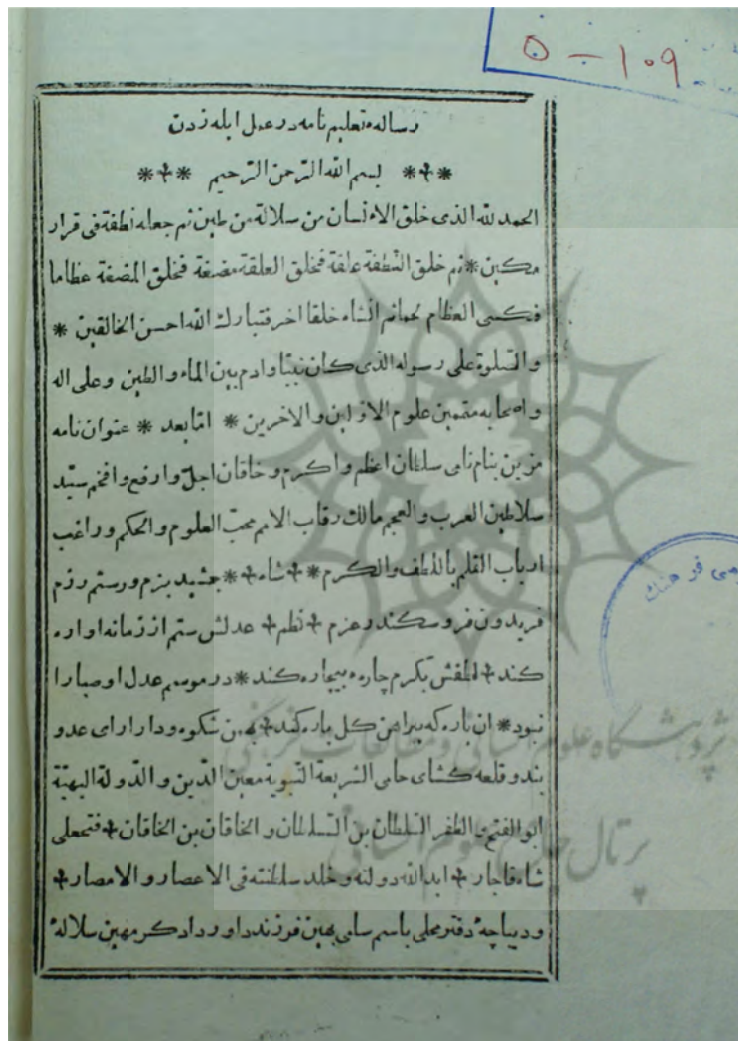
چنانچه پیش از این اشاره شد او در ابتدای این کتاب و طی فصلی با عنوان «در کیفیت رسیدن عمل آبله زدن از ممالک انگلتره ببعض بلاد ایران و رواج دادن نواب اشرف او را سبب تألیف این رساله» ضمن اشاره به چگونگی انتقال این دانش از اروپا به ایران و واکسینه کردن

۱. همان، گ ۸ پ.

۲. همان، گ ۵ ر.



فرزندان عباس میرزا به دنبال نوعی اعتمادسازی عمومی برای فراگیر کردن آبله کوبی است. حکیم خویی در غره شوال سال ۱۲۴۳ ق دست به ترجمه و نگارش این رساله زده و با استفاده از رساله<sup>۱</sup> دکتر جان کورمیک<sup>۲</sup> کتاب خود را تهیه و تنظیم نموده است.



۹۰

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

تصویر ۵. رساله تعلیم نامه در عمل آبله زدن، حکیم خویی، تبریز، ۱۲۴۵ ق (کتابخانه شهرداری اصفهان)

1. Smallpox Inoculation and the Need for its Universal Use.

2. John Cormick.



او در ضمن این کتاب ضمن برشمردن عدد افرادی که در کشورهای مختلف مورد آبله‌کوبی قرار گرفته‌اند به عدد اطفالی که در آذربایجان و شهرها و روستاهای توابع آن نیز که تعدادشان به هشتاد هزار نفر می‌رسد اشاره می‌کند.

« شماره اطفالی که در آذربایجان بحکم ثواب اشرف آنها را آبله‌گاوی زده‌اند و در روزنامه‌ها ثبت شده است باین تفصیل است که از دارالسلطنه تبریز داخلاً و خارجاً بیست و پنج هزار نفر تخمیناً و از محالها و قریه‌های او پانزده هزار و پانصد و چهل و یک نفر و از دارالصفای خوی و دهات او هشت هزار و دویست و چهارده نفر و از ارومیه و اطراف او شش هزار و بیست و پنج نفر و از مراغه پنج هزار و سی و هفت نفر و از محال ارونق هزار نفر و از سنندج و توابع او هجده هزار نفر خلاصه سخن از کل بلاد آذربایجان و قری و قصبات او قریب بهشتاد هزار نفر طفل را با مایه آبله‌گاوی زده‌اند و در فرد واحد تخلف نکرده بلکه در کل این همه اطفال بغایت مؤثر شده و در یک نفر از اینها بیماری آبله عود نکرده است و غرض مترجم از شمردن عدد اطفال هفت قرال و تفصیل دادن شماره اطفال آذربایجان آنست که طیبیان ایران از این عمل اطمینان بهم رسانند و مطلقاً دغدغه و تشویش نکنند و بدانند که این عمل مبارک در دست حکمای فرنگ و انگلیز و سایر قرالها چندین هزار بار تجربه و امتحان شد و مطلقاً تخلف نکرد پس باید که حکما در این عمل جدّ و جهد نمایند و سعی بلیغ کنند که بندگان خدا از این هلاکت بسلامت بمانند و در عملی که منافع کلّ عالم در ضمن او موجود است لجاجت نورزند و انصاف را از دست ندهند...»<sup>۱</sup>

مرحله بعدی و اصلی برای بهره‌بری از این کتاب چاپ و انتشار آن است. این مهم بر عهده علی بن حاج محمدحسین المرحوم تبریزی مشهور به امین الشرع که ناظم امور باسمة خانۀ دارالسلطنه تبریز بوده گذاشته می‌شود و او موفق می‌گردد که در تاریخ ۲۸ شعبان سال ۱۲۴۵ق آنرا چاپ و منتشر نماید. شکی نیست که با انتشار و توزیع این کتاب در ایالت آذربایجان و دیگر شهرهای ایران موضوعی جدید و مهم در سطحی

۱. همان، گ ۷ر.

وسیع در میان طبیبان سنتی، حاکمان و مردم مطرح و به‌شکلی مسأله واکسیناسیون آبله، عمومی و اعتمادسازی می‌گردد، موضوعی که تشریح آن بدون استفاده از رسانه چاپ یا امکان‌پذیر نبوده و یا بسیار سخت می‌نمود.

جدول (۱): کتاب‌های چاپ سربی منتشره در تبریز تا پایان دوره فتحعلی‌شاه قاجار

| شماره | عنوان کتاب                 | نویسنده                      | موضوع        | سال نشر |
|-------|----------------------------|------------------------------|--------------|---------|
| ۱     | رساله جهادیه               | میرزا عیسی قائم مقام فراهانی | فقه شیعه     | ۱۲۳۳ق   |
| ۲     | رساله جهادیه               | میرزا عیسی قائم مقام فراهانی | فقه شیعه     | ۱۲۳۴ق   |
| ۳     | گلستان                     | مصلح‌الدین سعدی شیرازی       | ادبیات فارسی | ۱۲۳۷ق   |
| ۴     | گلستان                     | مصلح‌الدین سعدی شیرازی       | ادبیات فارسی | ۱۲۳۹ق   |
| ۵     | مآثر سلطانی                | عبدالرزاق مفتون دنبلی        | تاریخ قاجار  | ۱۲۴۱ق   |
| ۶     | أبواب الجنان               | محمدرفیع واعظ قزوینی         | اخلاق اسلامی | ۱۲۴۱ق   |
| ۷     | گلستان                     | مصلح‌الدین سعدی شیرازی       | ادبیات فارسی | ۱۲۴۳ق   |
| ۸     | تعلیم‌نامه در عمل آبله زدن | محمد بن عبدالصبور حکیم خویی  | پزشکی        | ۱۲۴۵ق   |
| ۹     | بوستان                     | مصلح‌الدین سعدی شیرازی       | ادبیات فارسی | ۱۲۴۶ق   |

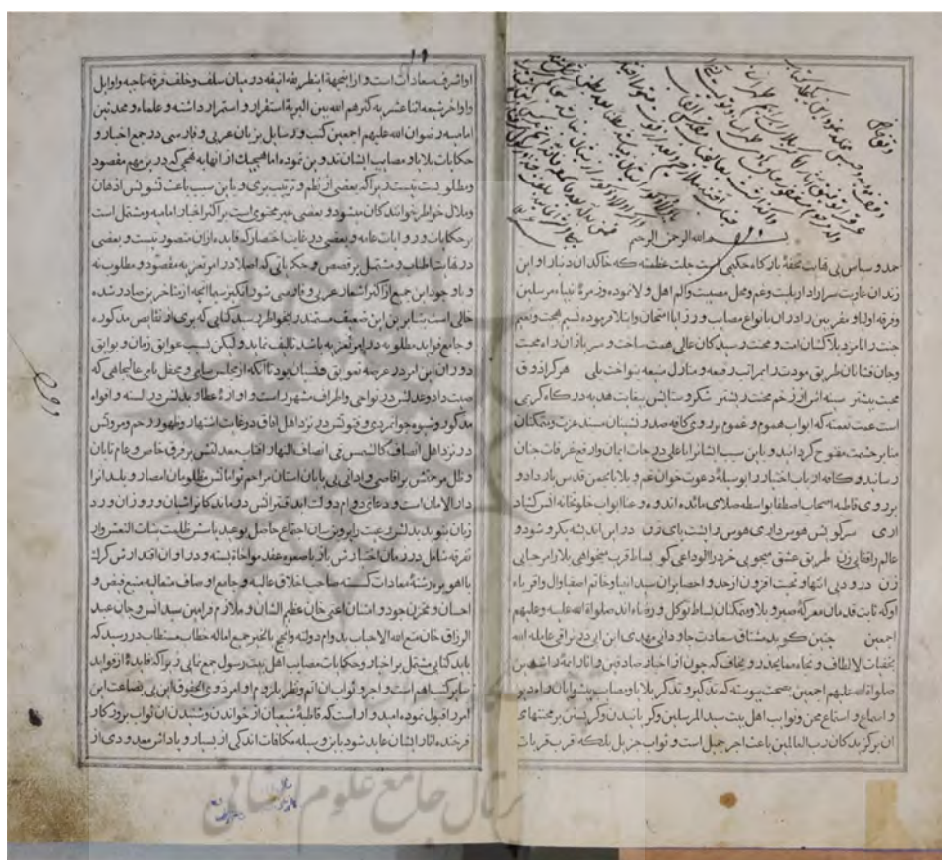
### انتقال صنعت چاپ سربی به طهران

میرزا زین‌العابدین تبریزی که طراح حروف و گرداننده اصلی دارالانطباع تبریز بود، توسط فتحعلی‌شاه به طهران فراخوانده می‌شود تا صنعت چاپ را در پایتخت راه‌اندازی نماید. او در حدود سال‌های ۸-۱۲۳۷ق. چاپخانه خود را در شهر طهران بنا می‌کند و آنچه تا به امروز به‌عنوان اولین محصول چاپی از این چاپخانه سراغ داریم، کتابی با نام مُحرق القلوب نگاشته محمد مهدی بن ابوذر نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) است، که در ماه صفر سال ۱۲۳۹ق چاپ و منتشر می‌گردد.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر در خصوص آغاز چاپ و انتشار کتاب در طهران رجوع کنید به: چاپ‌نوشت (۹): اولین کتاب چاپ سربی طهران، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰۲)، مهر و آبان ۱۴۰۲، صص ۴۹-۷۲

## چاپ سربی در خدمت مذهب و طبقه عالمان دینی

انتشار کتاب محرق القلوب که محتوایی کاملاً متفاوت با آنچه تا پیش ازین در تبریز منتشر شده دارد، این موضوع را به ما گوشزد می‌کند که قرار است صنعت چاپ در دارالخلافه طهران با آنچه در دارالسلطنه تبریز اتفاق افتاده کاملاً متفاوت باشد.



تصویر ۶. صفحات آغازین کتاب محرق القلوب، ملامهدی نراقی، طهران ۱۲۳۹ق (کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد)

جمله معروف فتحعلی شاه که «سلطنت ما به نیابت از مجتهدان عهد است و ما را به سعادت خدمت ائمه هادین مهتدین سعی و جهد است»<sup>۱</sup> را می‌بایست در همه شئون حکمرانی فتحعلی شاه در نظر گرفت و از همین روست که فتحعلی شاه قاجار را به عنوان

۱. روضه الصفا، ۷۵۱۵/۱۳.

پادشاهی متشرع و روحانیت‌گرا می‌شناسیم. فتحعلی‌شاه قاجار از زمانی که بر تخت سلطنت می‌نشید برای کسب مشروعیت و تحکیم بنیان سلسله قاجار، سیاست همراهی و نزدیکی با علمای وقت را دنبال کرده و از همان ابتدای سلطنت سعی می‌نمود که خود را در منظر علمای شیعه یک پادشاه مؤمن جلوه دهد<sup>۱</sup> و تا حد زیادی در این موضوع به موفقیت دست یافته و افتخار می‌کرد که سلطنتش به نیابت از مجتهدین عصر اوست<sup>۲</sup>. او همواره خود را به عالمان دینی نزدیک و به آنها خدمت می‌نمود و با توسعه فضاهای مذهبی چون مساجد، تکایا و مدارس دینی خدمت قابل توجهی به جامعه مذهبی و طبقه روحانیت در آن روزگار نمود.

فتحعلی‌شاه با همین روحیه مذهبی و سیاست روحانیت‌گرایی است که ابزار چاپ و نشر را کاملاً در خدمت مذهب و جوامع مذهبی خاصه حوزه‌های علمیه قرار می‌دهد. طی حدود ۱۰ سال انتشار کتاب در طهران دوره فتحعلی‌شاهی هیچ خبری از توسعه ارتش، سوادآموزی و یا بهداشت و سلامت عمومی مبتنی بر استفاده از رسانه چاپ دیده نمی‌شود. در این دوران بهره‌مندی جامعه باسواد از این صنعت تنها و تنها به آگاهی از مطالب دینی و مذهبی و تسهیل انجام فرایض دینی همچون خواندن قرآن و یا ادعیه محدود می‌گردد. یعنی برخلاف سیاست عباس‌میرزا در دارالسلطنه تبریز، که صنعت چاپ را در خدمت جمعیت کثیری از جامعه قرار داده بود. در دارالخلافه طهران تنها بخش محدودی از جامعه یعنی افراد باسواد مذهبی و بالأخص طلاب علوم دینی هستند که می‌توانند منفعی از این صنعت کسب نمایند.

هزینه گزاف تولید و انتشار کتاب‌ها در پایتخت توسط منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (د: ۱۲۶۳ق) پرداخت می‌گردد و کتاب‌ها با قیمتی مناسب و چه بسا پائین و رایگان به دست مذهب‌یون می‌رسد و به مناسبت همین پشتوانه مالی است که انتشار آثار مذهبی در طهران از سرعت و حجم بیشتری نسبت به آنچه در تبریز رخ می‌داد برخوردار است.

فتحعلی‌شاه قاجار بر خلاف فرزندش عباس‌میرزا نایب‌السلطنه که نگاهش به غرب و به دنبال انتقال انواع صنایع و فن‌آوری‌های جدید کشورهای اروپایی به ایران بود، با دنبال

1. Religion and State in Iran, 46.

۲. روضه الصفا، ۷۱۵/۱۳.

کردن سیاست پادشاهان صفوی تنها رضایت عالمان و مراجع شیعی را دنبال می‌کرد. وی در این مسیر آنچنان موفق بود و به چنان مقبولیتی دست یافت که بزرگان دینی آن روزگار به تمجید و تبجیل او پرداختند.

بر حسب همین مراودات بود که سیاست‌گذاری چاپ و انتشار و به‌قولی دارالطباعه و باسمة‌خانه طهران بر مبنای چاپ و انتشار کتاب‌های دینی از مشهور علمای خلف و معاصر گذاشته شد. بر مبنای همین سیاست جامعه مخاطب کتاب‌های چاپ شده در طهران از طیف گسترده و متنوع جامعه به تنها بخش اندکی از آن یعنی طلاب و روحانیون و جامعه مذهبی تقلیل پیدا می‌کند. هدف‌گذاری دارالطباعه طهران انتشار آثار مذهبی کلاسیک و از طرف دیگر انتشار آثار عالمان و مراجع شناخته شده معاصر بود.

این چاپخانه در اولین گام کتاب محرق القلوب ملامهدی نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ق) را چاپ می‌نماید. فرزند نویسنده این کتاب یعنی ملااحمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق) از روحانیون پرنفوذ آن روزگار و بسیار مورد توجه فتحعلی‌شاه قاجار است.<sup>۱</sup> چاپ و انتشار این کتاب با سیاست توسعه عزاداری امام سوم شیعیان علیه السلام که توسط فتحعلی‌شاه قاجار دنبال می‌شد بسیار همخوان و هم‌راستا بود. همچنین در راستای تقویت مذهب تشیع در برابر تسنن است که کتاب رساله حسنیه در چندین نوبت چاپ و منتشر می‌شود.<sup>۲</sup> این کتاب برای اولین بار در دوره فتحعلی‌شاه و به تاریخ جمادی‌الثانی سال ۱۲۳۹ق در طهران و توسط میرزا زین‌العابدین تبریزی و با سرمایه‌گذاری منوچهرخان گرجی چاپ و منتشر می‌گردد. ورود منوچهرخان معتمدالدوله گرجی به عنوان سرمایه‌گذار و حمایت‌گر مالی از کتاب‌های چاپ سری منتشرة در طهران و بعدتر اصفهان و همدان با همین کتاب آغاز می‌گردد و با پشتوانه مالی اوست که در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و بعدتر محمدشاه قاجار ده‌ها عنوان کتاب در تیراژهای بالا چاپ و منتشر می‌شود. موضوع تقویت شیعه و بنیان‌های فکری

۱. برای اطلاع بیشتر درین خصوص رجوع کنید به: چاپ‌نوشت (۹): اولین کتاب چاپ سری طهران، مجید جلیسه، آینه پژوهش، سال سی و چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۲۰۲)، مهر و آبان ۱۴۰۲، صص ۴۹-۷۲.  
۲. رساله حسنیه در مسأله امامت به‌نگارش درآمده است. در این رساله کنیزی به‌نام حسنیه که نخست کافر بوده و بعد اسلام آورده در محضر هارون الرشید در باب درستی مذهب شیعه و ابطال مذاهب اهل سنت بحث و مناظره کرده است. در نسبت به مؤلف و حتی زبان اصلی این رساله تردیدهای فراوانی وجود دارد. جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به: مأخذشناسی ابوالفتح رازی، ۴۰/۱.

مردم آنچنان در این دوره برای حاکمیت اهمیت پیدا می‌کند که در همان سال‌های آغازین نشر در طهران کتاب حق‌الیقین علامه مجلسی به سال ۱۲۴۱ ق نیز چاپ و انتشار می‌یابد. کتابی به زبان فارسی در اصول دین که علامه مجلسی در آن با استناد به آیات و اخبار و ادله عقلی به اثبات توحید، نبوت، امامت و معاد پرداخته است و بالاخص موضوع امامت در این کتاب بیشترین حجم را به خود اختصاص داده است. صنعت چاپ در این دوران در قبضه انتشار آثار این عالم سرشناس و شناخته شده صفوی است. کتاب‌های او یکی پس از دیگری در طهران و بعدتر اصفهان چاپ و منتشر می‌شود.

علامه مجلسی به عنوان یکی از شاخص‌ترین عالمان دینی عصر صفویه که مورد احترام پادشاهان آن دوران و بسیاری از عالمان هم‌عصر خود تا روزگار قاجار بود، و چه بسا دیدگاه‌های او در خصوص «سلطنت مشروعه» نیز مورد توجه برخی از عالمان این دوران و حتی شخص فتح‌علی شاه قاجار قرار می‌گرفته است. او در کتاب عین‌الحیات می‌نویسد:

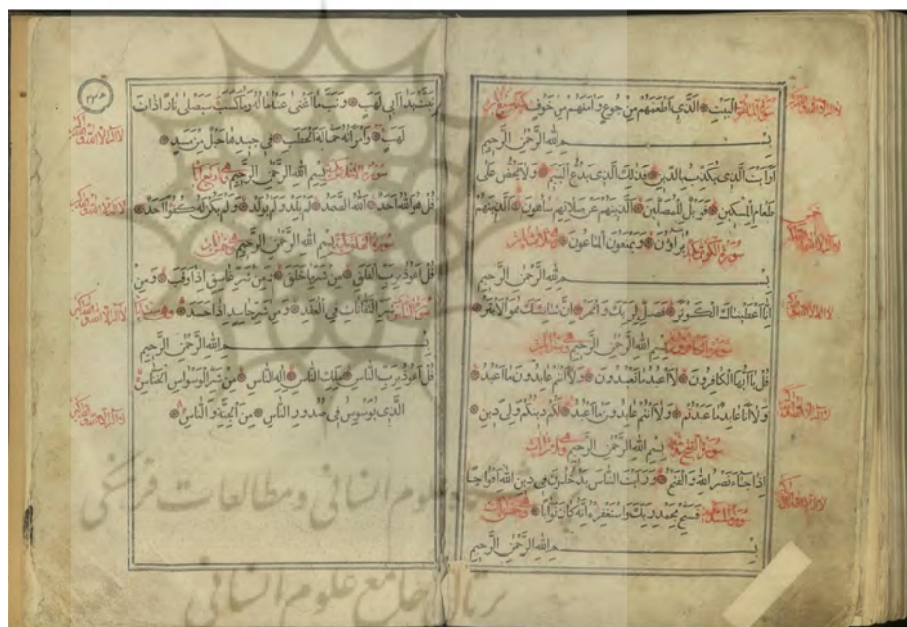
«بدان که حق تعالی هرکس را در این دنیا سلطنتی داده، چنانچه منقول است کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت و در قیامت از سلوک او با رعیتش سؤال خواهد فرمود. چنانچه پادشاهان را بر رعای خود، امیران و وزیران را بر بعضی از رعایا و ارباب مزارع و اموال را بر جمعی از بزرگان و اصحاب بیوت، خدم. ازواج و اولاد را بر غلامان، کنیزان، خدمتکاران، زنان و فرزندان، حق مالیکت و قیمومت کرامت فرموده... پس هیچ‌کس در دنیا نیست که بهره از ولایت و حکومت نداشته باشد»<sup>۱</sup>

از دیگر دلایلی که آثار علامه مجلسی در آن روزگار توسط حکومت چاپ و منتشر می‌گردد، چه بسا نفوذ و سفارش میرمحمد مهدی بن مرتضی خاتون آبادی (۱۱۸۵-۱۲۶۳) از نوادگان علامه مجلسی است. او از جمله عالمان دینی بود که در اصفهان به تدریس و اقامه جماعت اشتغال داشت. فتح‌علی شاه قاجار پس از وفات امام جمعه تهران، در ۱۲۳۶ ق وی را به تهران فراخواند و ضمن تکریم فراوان به امامت جمعه این شهر منصوب کرد. میرمحمد مهدی بن مرتضی خاتون آبادی، مشهور به آقابزرگ، در فقه و حدیث تبحر داشت و نخستین امام جمعه تهران از این خاندان بود.<sup>۲</sup>

۱. عین‌الحیات، ۶۴۰.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ۵۹۴/۱۴.

در همین دوران برای اولین بار در جهان اسلام شاهد چاپ و انتشار کتاب آسمانی مسلمانان یعنی قرآن هستیم. تا پیش ازین تمامی چاپ‌های منتشره از این کتاب در سرزمین‌های اروپایی و یا امپراطوری روسیه صورت گرفته است. اما میرزا زین‌العابدین تبریزی با تسلط و تخصصی که بر خط نسخ فارسی و طراحی و ساخت حروف دارد، موفق به ابداع خط نسخی معرب و زیبا می‌گردد که نتیجه آن انتشار قرآنی معرب و زیبا در سال ۱۲۴۲ق در طهران است.<sup>۱</sup> قرآن در این دوره حداقل سه بار دیگر به شیوه چاپ سربی و در طهران منتشر می‌گردد<sup>۲</sup> و همچنین اولین قرآن و اولین کتاب چاپ سنگی نیز در تبریز و به سال ۱۲۴۹ق. در دوره فتحعلی‌شاه قاجار منتشر می‌شود.<sup>۳</sup>



تصویر ۷. تصویر دو صفحه پایانی قرآن، تهران، ۱۲۴۲ق (کتابخانه مجلس)

بجز توجه ویژه‌ای که به انتشار قرآن در این دوره می‌گردد، برای اولین بار در همین دوره یکی از شاخص‌ترین کتب دعایی تا آن روزگار یعنی زادالمعاد علامه مجلسی نیز چاپ و

۱. نخستین قرآن چاپ سربی و نخستین قرآن چاپ سنگی در ایران، ۱۴۸-۱۶۴.

۲. نخستینه‌های چاپ ایران، ۱۲۱ و ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳. تاریخ چاپ سنگی اصفهان، ۷۵.

منتشر می‌شود. این کتاب نیز به شیوه‌ای متفاوت و معرب در سال ۱۲۴۴ق در طهران توسط میرزا زین‌العابدین تبریزی منتشر می‌شود. کتابی که پیش از چاپ نیز بسیار مورد توجه مسلمانان شیعه قرار داشت و در کنار قرآن و برای انجام عبادات روزانه مورد استفاده قرار می‌گرفت.

از طرفی دیگر برای تقویت بنیان‌های فقهی طلاب علوم دینی کتاب معروف اشارات الأصول نگاشته محمدابراهیم کرباسی (۱۱۸۰-۱۲۶۲ق) از شاگردان مبرز میرزای قمی و از عالمان شناخته شده و سرشناس اصفهان در آن روزگار چاپ و انتشار می‌یابد. کتابی که هم توسط خود او و هم دیگر عالمان در اصفهان و دیگر شهرهای شیعه تدریس می‌گردد.<sup>۱</sup> این کتاب که یکی از مهمترین آثار کرباسی است بواسطه چاپ و انتشارش آنچنان شهرت پیدا می‌کند که از آن پس کرباسی را با لقب صاحب اشارات می‌شناسند.

جدول شماره (۲): فهرست کتابهای چاپ سربی منتشر در تهران تا پایان دوره فتحعلی‌شاه قاجار

| عنوان کتاب    | نویسنده        | موضوع کتاب     | سال نشر |
|---------------|----------------|----------------|---------|
| ۱ محرق القلوب | ملا مهدی نراقی | واقعه کربلا    | ۱۲۳۹ق.  |
| ۲ رساله حسنیه | ابوالفتح رازی  | کلام شیعه      | ۱۲۳۹ق   |
| ۳ حیات القلوب | علامه مجلسی    | تاریخ پیامبران | ۱۲۴۰ق   |
| ۴ عین الحیات  | علامه مجلسی    | احادیث شیعه    | ۱۲۴۰ق   |
| ۵ جلاء العیون | علامه مجلسی    | تاریخ ائمه     | ۱۲۴۰ق   |
| ۶ حق‌الیقین   | علامه مجلسی    | کلام شیعه      | ۱۲۴۱ق   |
| ۷ حیات القلوب | علامه مجلسی    | تاریخ پیامبران | ۱۲۴۱ق   |
| ۸ قرآن        | -              | کتاب آسمانی    | ۱۲۴۲ق   |
| ۹ زادالمعاد   | علامه مجلسی    | ادعیه          | ۱۲۴۴ق   |
| ۱۰ قرآن       | -              | کتاب آسمانی    | ۱۲۴۵ق   |

## ۹۸

آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

۱. شیخ مهدی کجوری شیرازی (۱۲۱۷-۱۲۹۳ق) از جمله افرادی بود که به تدریس اشارات الاصول در شیراز می‌پرداخته است چنانچه محمد بن سلیمان تنکابنی این موضوع را اینچنین نقل می‌کند که «روزی در مجلس وعظ در اصفهان حقیر هم نشسته بودم که حاجی کلباسی تعریف از تألیفات خود فرمود و گفت از آنجمله ملائی در شیراز پیدا شده که اشارات مرا تدریس میکند و جمعیت بسیار در مجلس درس او حاضر میشوند» رک: قصص العلماء، ۱۶.



| عنوان کتاب | نویسنده       | موضوع کتاب         | سال نشر            |
|------------|---------------|--------------------|--------------------|
| ۱۱         | إشارات الأصول | محمدابراهیم کلباسی | أصول فقه شيعه ۱۲۴۵ |
| ۱۲         | قرآن          | -                  | کتاب آسمانی ۱۲۴۶ق  |
| ۱۳         | قرآن          | -                  | کتاب آسمانی ۱۲۴۷ق  |
| ۱۴         | حلیة المتقين  | علامه مجلسی        | احادیث شيعه ۱۲۴۸ق  |
| ۱۵         | رساله حسنيه   | ابوالفتح رازی      | کلام شيعه ۱۲۴۸ق    |

### انتقال صنعت چاپ به پایگاه دینی آن روزگار شهر اصفهان

اصفهان دوره قاجار مرکز عمده تجمع مجتهدان ایران و پایتخت فقهی و حوزوی کشور و به‌زبانی دیگر در آن روزگار دارالعلم شرق به‌شمار می‌رفت. حضور عالمان و مراجع بزرگی همچون ملاعلی نوری (د: ۱۲۴۶ق)، حاج محمدابراهیم کلباسی (د: ۱۲۶۲ق) و سید محمدباقر شفتی (د: ۱۲۶۰ق) در این شهر، همچنین اقبال طالبان علوم دینی به تحصیل و تلمذ نزد این عالمان موجب رونق حوزه‌های علمیه و کثرت روحانیون در این شهر می‌گردد، تا جایی که نقل می‌شود که در سال ۱۲۵۰ق هنگام آخرین سفر فتحعلی‌شاه قاجار به اصفهان بیش از چهارصد عالم برای خوشامدگویی به پیشباز او رفتند.<sup>۱</sup>

فتحعلی‌شاه قاجار بعد از عزل عبدالله خان امین‌الدوله از حکومت اصفهان به سال ۱۲۴۰ق فرزند خود محمد میرزا را که در آن روزگار دوازده سال بیش نداشت با پیشکاری یوسف خان گرجی به حکومت اصفهان منصوب و او را به سیف‌الدوله ملقب کرد.<sup>۲</sup> فتحعلی‌شاه قاجار در این دوره طلایی توجهی ویژه بدین شهر مبذول داشته و دستور راه‌اندازی یک چاپخانه چاپ سربی در این شهر را صادر می‌کند. این چاپخانه زیر نظر فردی با نام عبدالرزاق اصفهانی - از شاگردان میرزا زین‌العابدین تبریزی - فعالیتش آغاز می‌گردد و طی عمر کوتاه فعالیتش (۱۲۴۶-۱۲۴۹ق) موفق به چاپ و انتشار شش عنوان اثر شاخص دینی در این شهر و البته همدان می‌شود.

۱. دین و دولت، ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲. ناسخ‌التواریخ، ۳۵۰/۱؛ حقایق الاخبار ناصری، ۱۷/۱.

اولین کتابی که در این چاپخانه چاپ و منتشر می گردد کتاب وجیزه نگاشته محمدجعفر بن محمدصفی فارسی (۱۲۰۰-۱۲۸۰ق) است. وجیزه برگزیده ای از کتاب تحفة الأبرار محمدباقر بن محمدتقی شفتی بیدآبادی (۱۱۷۵-۱۲۶۰ق) است. کتابی درباره اقسام نماز و امهات مسائل مربوط به آن است که توسط شاگرد او یعنی محمدجعفر فارسی تلخیص و به وجیزه معنون شده است.<sup>۱</sup>

«هو الله تعالى

در عهد دولت روزافزون و زمان سلطنت ابدمقرون اعلی حضرت قدر قدرت قضاشوکت شاهنشاه مالک رقاب سپهر قدر قمرکاب قطب فلک مکرمت و بختیاری مرکز دایره شریعت گستری و جهاننداری خورشید آسمان عظمت و شهریاری سایه عاطفت جناب باری پادشاه عادل باذل ابرکف دریادل ظل یزدان و شهنشاه شهنشاه نژاد که ندارد دو جهان پیش کفش مقداری آنکه حفظش زبی دفع حوادث مردم کرد معموره اسلام کشد دیواری و هو السلطان الأعظم والخاقان الأعدل الأکرم ملک ملوک العالم غوث الدین والدين غياث الاسلام والمسلمين اجل الملوك والسلاطين قهرمان الماء والطین مالک الممالک بالارث والاستحقاق ناصر أحكام الشریعة فی الاطراف والآفاق المجاهد فی سبیل الله والغازي لدين الله کامل نسخه دارالطباعة وجود و جامع صحیفه اطوار موجود السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان شاه زمانه فتحعلی شاه کافات در پیش رأی انورش از ذره کمتر است لازالت آیات اجلاله مادامت الافلاک دوار او البحوم سیارا که اکثر صنایع بدیعه و آثار غریبه بلاد بعیده و قریبه از یمن طالع فرخنده مطالع پادشاه عالمگیر در مملکت ایران حفظه الله عن نواب الحدثن شایع بود مگر صنعت طبع و تمثیل که در عقدہ تعویق و تأخیر منده بود بحمد الله که آنهم بحکم محکم سلطانی و سعی و التفات نواب جلالت و نبالت دستگاه مقرب الخاقان منوچهرخان زید اجلاله بسعی و دست رنج اقل خلق الله عبدالرزاق اصفهانی کتبی که اکثر مردم از آن منتفع گردند مطبوع آمد امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید و چون دانستن مسائل نماز از اهم مطالب و اتم مقاصد است و سعی در ترویج و تکمیل آن

۱۰۰

آینه پژوهش | ۲۰۸  
سال ۳۵ | شماره ۴  
مهر و آبان ۱۴۰۳

موجب برکت و میمنت است تیمناً و تبرکاً ابتدا باین رساله فارسی که در مسائل نماز از کتاب تحفة الابرار من تالیفات جناب شامخ الالقاب حقایق و معارف انتساب شریعت و هدایت مآب حاوی الفروع والاصول جامع المعقول والمنقول فخر الفقهاء والمجتهدین معین الاسلام والمسلمین المولی الاعظم والمقتدی الافخم و مطاع العرب والعجم المشهر اسمه فی جمیع اقطار العالم شمساً لفلک السیادة والنجابه والفقامة والجلالة والشرافة وبدر السماء العلم والفضيلة والاجتهاد والفقاهة مجتهد العصر والزمان كهف الحاج الحاج السيد محمدباقر اطال الله بقائه شده که عمول به عامه مؤمنان گردد بانضمام سؤالات چند و جواب آنها که اکثر آنها از مسائل طهارتست حسب الاذن والرخصة والترغيب والتأکید از آنجناب در دارالسلطنه اصفهان مطبوع شد امید که کافه مردمان از مطالعه آن بهره‌مند گردند بالنبی وآله الامجاد فی شهر محرم الحرام ۱۲۴۶»

این کتاب اولین رساله عملیه یکی از مراجع صاحب‌نام آن روزگار در ایران است که در شهر اصفهان چاپ و منتشر می‌گردد و چنانچه در انتهای مقدمه آن آمده هدف از انتشار این کتاب انتفاع اکثر مردم است. در همین مقدمه تصریح می‌گردد که این کتاب با اجازه سید حجة الاسلام شفتی و با تشویق و تأکید او چاپ و منتشر شده است.<sup>۱</sup>

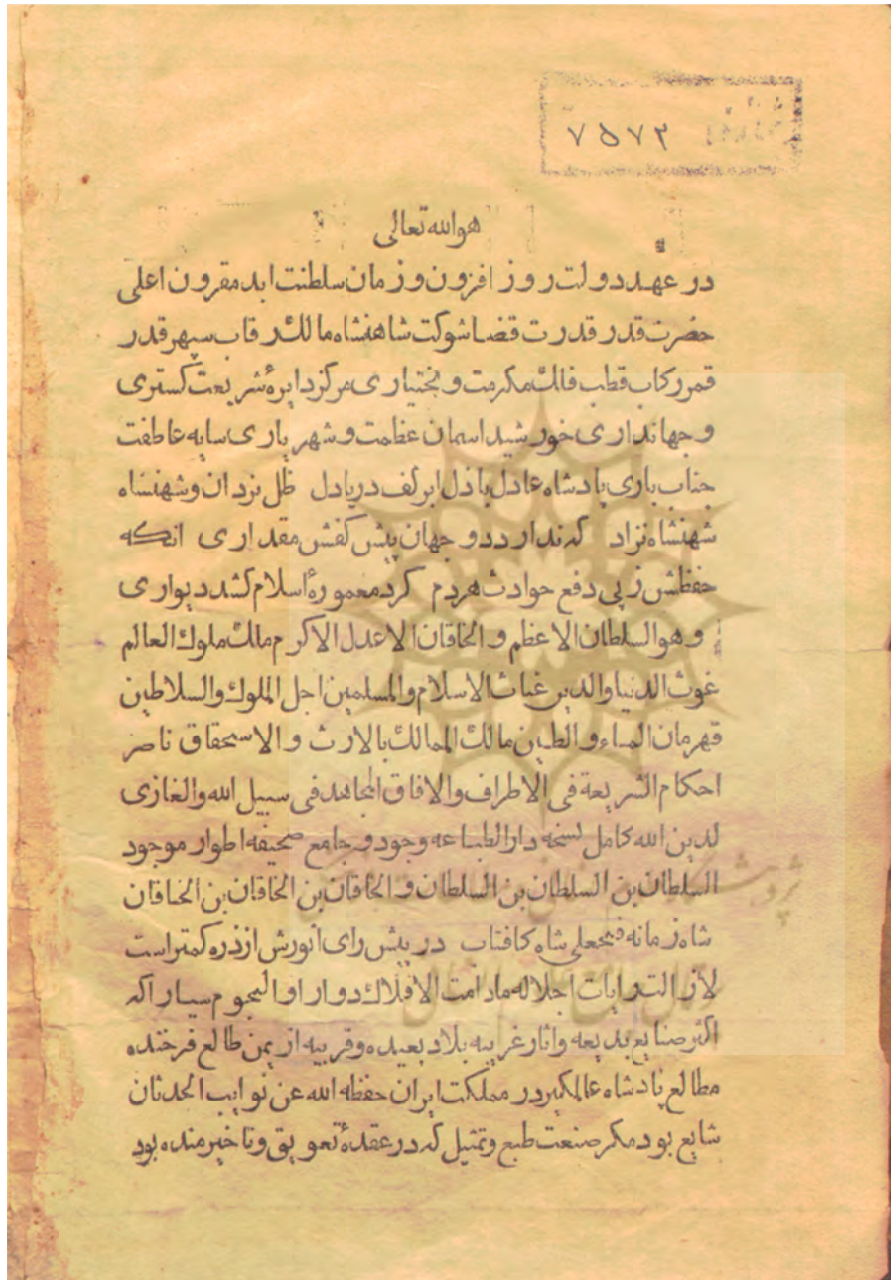
همچنین در دیگر کتاب منتشره در اصفهان یعنی کتاب حسنیه هدف از راه‌اندازی این چاپخانه و انتشار این کتاب در اصفهان اینچنین بیان شده است:

«... از آنجمله این رساله حسنیه که تفسیر بعضی از آیات قرآنی و احادیث نبوی در ترویج مذهب اثنا عشری به بیانی واضح شده در درالسلطنه اصفهان مطبوع شد امید که در نظر ارباب دانش مطبوع آید و کافه مردمان از مطالعه آن بهره‌مند گردند...»<sup>۲</sup>

ترویج مذهب اثنی عشری و آشنایی و انتفاع مردم با دین مبین اسلام و مذهب تشیع و هرچه بیشتر نزدیک شدن آنها با احکام فقهی از جمله دلایل انتشار کتاب‌هایی ازین دست چه در اصفهان و چه در دیگر شهرهای ایران بود.

۱. رساله مؤسس، ۸۸.

۲. تاریخ چاپ سنگی اصفهان، ۱۰۶.



۱۰۲

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

جدول شماره (۳): فهرست کتابهای چاپ سری منتشر در اصفهان و همدان تا پایان دوره فتحعلی‌شاه قاجار

| ردیف | عنوان کتاب  | نویسنده            | موضوع کتاب  | سال نشر |
|------|-------------|--------------------|-------------|---------|
| ۱    | وحیزه       | محمدباقر شفتی      | فقه شیعه    | ۱۲۴۶ق   |
| ۲    | نخبه        | محمدابراهیم کلباسی | فقه شیعه    | ۱۲۴۶ق   |
| ۳    | رساله حسنیه | ابوالفتح رازی      | کلام شیعه   | ۱۲۴۷ق   |
| ۴    | سؤال و جواب | محمدباقر شفتی      | فقه شیعه    | ۱۲۴۷ق   |
| ۵    | محرق القلوب | علامه مجلسی        | واقعه کربلا | ۱۲۴۷ق   |
| ۶    | رساله صومیه | گریان شهرابی       | فقه شیعه    | ۱۲۴۹ق   |

## نتیجه

با بررسی و مقایسه تلاش‌های صورت گرفته برای چاپ و انتشار کتاب در دو دهه آغازین صنعت چاپ (۱۲۳۳-۱۲۵۰ق) کاملاً مشخص است که تلاش‌های عباس میرزا نایب السلطنه در تبریز در راستای تقویت تجددگرایی و نوگرایی جامعه سنتی آن روزگار بوده است چنانچه سعی می‌نموده با استفاده از این صنعت ارتش و حاکمیت را تقویت نماید و از سویی دیگر با گسترش سواد و بهداشت عمومی جامعه را از شکل سنتی آن به سمت جامعه‌ای مدرن سوق دهد. این در حالی است که فتحعلی‌شاه قاجار در طهران و شهرهای اصفهان و همدان که زیر نظر دیگر فرزندان او اداره می‌گردیده، تمام قد بی‌آنکه نگاهی به غرب و مظاهر جدید آن نگاهی داشته باشد، از این رسانه و ابزار نوین برای توسعه نگاه‌های سنتی و دینی در جامعه بهره می‌برده است. او موفق می‌شود با استفاده از صنعت چاپ به تقویت حوزه‌های علمیه، ترویج تشیع، توسعه مناسک مذهبی و ترویج عزاداری امام سوم شیعیان نائل آید. و با انتشار کتاب‌های مذهبی و دینی آنها را تیراژی بالا و بایستوانه دولتی و حکومتی و حمایت‌های منوچهرخان معتمدالدوله گرجی سهم قابل توجهی در توسعه فضای دینی و مذهبی در جامعه آن روزگار داشته باشد.

## منابع

- تاریخ چاپ سنگی اصفهان، مجید جلیسه، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۸۲ ص، وزیری، ۱۳۹۰.
- «پنج نامه از فتحعلیشاه قاجار به میرزای قمی»، سیدحسین مدرسی طباطبایی، بررسی‌های تاریخی، سال دهم، شماره ۴، مهر و آبان ۱۳۵۴، صص ۲۴۵-۲۷۶.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ طهرانی، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۲۵ جلد، ۱۴۰۸ ق.
- «رساله مؤسس: نگاهی به رساله عملیه آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری»، مجید جلیسه، صدسالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صدساله شدن حوزه علمیه قم، به کوشش رسول جعفریان، قم، نشر مورخ، ۱۴۰۱، صص ۸۵-۱۳۳.
- روضه الصفای ناصری، رضاقلی خان هدایت، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، جلد ۱۳، ۱۳۸۰.
- عین الحیات، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، مشهد، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۰.
- فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، سیدجعفر حسینی اشکوری، سیدصادق حسینی اشکوری، زیر نظر سیداحمد حسینی اشکوری، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، وزیری، ۱۳۸۰.
- فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مهدی ولایی، تحقیق و بازنگری سیدمحمد رضا رضاپور، مشهد، آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، جلد پنجم، ۸۶۴ ص، وزیری، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی، مشهد، دارالطباعة طوس، جلد دوم، ۱۳۰۵.
- قصص العلماء، محمد بن سلیمان تنکابنی، تهران، علمیه اسلامی، بی‌تا.
- مآثر سلطانیه، عبدالرزاق مفتون دنبلی، به تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران، روزنامه ایران، ۶۷۵ ص، ۱۳۸۳.
- مقدمه‌ای بر فقه شیعه، حسین مدرسی طباطبائی، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، وزیری، ۱۳۶۸.
- مرکبات جوهریه، محمد بن عبدالصبور خوئی تبریزی، (نسخه خطی) کتابخانه مجلس، ش ۱۶۲۲ جدید، ۴۴ برگ، تاریخ کتابت ۱۲۴۷ ق.
- «نخستین قرآن چاپ سربی و نخستین قرآن چاپ سنگی در ایران»، علی بوذری، سفینه، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۴۸-۱۶۴.
- نخستینه‌های چاپ‌های ایران؛ کتاب‌های چاپ سربی دوره اول، علی بوذری، تهران، پویانما، ۶۰۶ ص، وزیری، ۱۴۰۲.